

بررسی مسایل و مشکلات آموزش و پرورش در حوزه آموزش ابتدایی با تاکید بر افت تحصیلی در آموزش مجازی و ارائه راهکارهایی به منظور کاهش آن

الهه آرين نيا^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۴ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۰۸/۲۷

چکیده

هدف از نگارش مقاله حاضر، بررسی مسایل و مشکلات آموزش و پرورش در حوزه آموزش ابتدایی به ویژه افت تحصیلی در آموزش مجازی می باشد. جامعه شناسان آدمی را طبعاً «مدنی و اجتماعی» می دانند و معتقدند نیازها، خصایص و ساختار وجودی او ایجاب می کند در زندگی دسته جمعی و مشترک وارد شده، برای رفع احتیاجات خویش از تعاون، تعامل و همفکری مشترک با دیگران استفاده کند. تنوع نیازها، گسترش دانشها و مهارتهای بشری، توسعه و تکامل اشکال مختلف زندگی موجب گسترش سازمان های متعددی شده است. یکی از مهمترین، موثرترین و گسترده ترین نهادهای اجتماعی که مسوولیت انتخاب و انتقال عناصر فرهنگی را به نسل نوظخته جامعه بر عهده دارد، سازمان آموزش و پرورش هر کشور است که موضوع اساسی و محور اصلی این سازمان «انسان» است. افت تحصیلی یکی از مشکلات موجود در آموزش و پرورش در بیش تر کشورها از جمله کشور ما است. این موضوع سبب می شود که همه ساله بخش زیادی از بودجه کشور از این طریق به هدر رود و نیز تعداد زیادی از نیروهای بالقوه انسانی از پرورش و تربیت صحیح باز بمانند. لذا شناخت این مسأله و بررسی علل موثر بر آن یکی از بهترین وظایف نظام تعلیم و تربیت در سطوح مختلف در هر کشور می باشد. منظور از افت تحصیلی کاهش عملکرد تحصیلی و درسی دانش آموز از سطح رضایت بخش به سطح نامطلوب است. افت تحصیلی یعنی دانش آموز در هنگام تحصیل بعد از یک دوره موفقیت تحصیلی یا متوسط، به تدریج ظرفیت یادگیری او کاهش یافته و یا تکرار پایه تحصیلی داشته باشد. این مقاله که ابزار جمع آوری اطلاعات آن به روش کتابخانه ای است، به روش توصیفی -تحلیلی به بررسی مسایل و مشکلات آموزش و پرورش در حوزه ابتدایی پرداخته و افت تحصیلی در آموزش مجازی را مورد بررسی قرار می دهد. سعی شده ابتدا مفاهیم ارائه شده و سپس تجزیه و تحلیل می شود و در پایان راهکارهایی به منظور کاهش افت تحصیلی در آموزش مجازی در حوزه آموزش ابتدایی ارائه می دهد.

واژگان کلیدی

آموزش و پرورش، نظام آموزشی، آموزش ابتدایی، افت تحصیلی، فضای مجازی، آموزش مجازی

۱- کارشناس ارشد تاریخ اسلام، آموزگار دبستان حضرت زهرا (س)، مدیریت آموزش و پرورش ناحیه یک شهری، تهران،

ایران. (elaheariyan89@gmail.com)

مقدمه

مدارس کنونی ایران حاصل تحولاتی است که در دوران های مختلف گذشته در بافت و ساختار موسسات آموزشی و پرورشی پدید آمده است. تاسیس دارالفنون در سال ۱۲۳۰ شمسی و توسعه مدارس ایران در برخی از شهرستان های بزرگ را می توان سرآغاز معرفی نظام جدید مدارس و از اقدامات مهم فرهنگی دانست که این در دو سطح متوسطه و عالی بود که فقط فرزندان اعیان و اشراف از امکانات آن بهره می بردند. اولین مدرسه در سال ۱۲۵۱ شمسی با شکل و طرح جدید در تهران به وجود آمد.

از اواخر حکومت قاجاریه و اوایل دوران پهلوی مدارس متعددی از سوی خارجیان یا ایرانیان به صورت ملی و خصوصی تاسیس و اداره گردید. در سال ۱۲۸۹ شمسی برنامه مقطع ابتدایی به صورت مدون برای اجرا به همه مدارس ابلاغ شد. برای نظام دادن به مدارس و تعیین سیاست های کلی در کشور، در سال ۱۲۹۰ شمسی قانون اساسی معارف به تصویب رسید که در پی آن، تعلیمات ابتدایی اجباری و چند مورد دیگر برای ایرانیان جامه عمل پوشید.

با تصویب مجلس در سال ۱۳۱۳ شمسی دوره های تحصیلی ایران شامل ۶ سال دوره ابتدایی و ۳ سال متوسطه اول و ۳ سال متوسطه دوم تعیین شد. ساختار نظام آموزش و پرورش براساس مطالعاتی در سال ۱۳۴۵ شمسی به شرح زیر تغییر یافت:

۱- دوره کودکستان از ۳ سالگی تا پیش دبستانی؛

۲- دوره ابتدایی، پنج سال،

۳- دوره راهنمایی، سه سال؛

۴- دوره متوسطه، چهار سال.

اما پس از این دوره، در سال ۱۳۷۰ شمسی دوره تحصیلی به شکل زیر تعیین و اعلام شد:

۱- دوره کودکستان از ۳ سالگی به مدت ۲ سال؛

۲- دوره آموزش ابتدایی (دبستان)، ۵ سال؛

۳- دوره راهنمایی، ۳ سال؛

۴- دوره متوسطه در یکی از رشته های نظری، فنی و حرفه ای، کار و دانش، ۳ سال؛

۵- دوره پیش دانشگاهی یک سال، فقط برای یکی از شاخه های نظری (ریاضی، تجربی، ادبیات و علوم انسانی) که تاکنون اجرا می شود.

در حال حاضر باروی کارآمدن نظام آموزشی برپایه توصیفی، دوره های آموزشی بدین صورت تغییر یافته است.

۱- دوره کودکستان از ۳ سالگی تا پیش دبستانی؛

۲- دوره ابتدایی، شش سال،

۳- دوره متوسطه اول، سه سال (هفتم، هشتم و نهم)

۴- دوره متوسطه دوم سه سال (دهم، یازدهم و دوازدهم)

تاریخچه نظام آموزشی مقطع ابتدایی در ایران

آموزش ابتدای در ایران با برنامه ها و شیوه های مختلف آموزش، سابقه ای طولانی دارد. این نوع از آموزش، پیش از تشکیل دبستان ها به سبک جدید، در خانه ها، مساجد و بویژه مکتبخانه ها انجام می گرفته است که دارای اهدافی چون: پرورش دینی و اخلاقی، سوادآموزی و دانش اندوزی بوده است که دروسی مانند قرآن، تعلیم الفبا، حفظ اشعار و حکایات پندآموز و متونی چون گلستان سعدی و دیوان حافظ و موش و گربه عبید زاکانی تدریس می شد. از ویژگی های بارز مکتب خانه ها، آزادی های سنی، زمان ورود به مکتب و شروع تحصیل، برنامه و مدت تحصیل بود. معایی نیز از نظر روش تربیت و استفاده از تنبیه بدنی در خیلی از مکتبخانه ها وجود داشت. فکر تاسیس مدارس، از جمله مدارس ابتدایی، با تاسیس وزارت علوم در سال ۱۲۷۲ قمری بتدریج گسترش یافت که سن ورود به مدارس و مکاتب ابتدایی ۷ سال تعیین و تعلیمات ابتدایی برای همه ایرانیان اجباری شد. با افزایش تعداد مدارس جدید و اعزام معلمان از شهر به روستاها، بتدریج تعداد مکتبخانه ها کاهش یافت و به جای آنها مدارس ابتدایی در روستاها توسعه پیدا کرد که تاکنون این مدارس به فعالیت های آموزشی و پرورشی خود ادامه می دهند. در حال حاضر روی طرحی به نام توسعه آموزش و پرورش در ایران کار می شود. بعد از فعالیت های موفق، امروزه آموزش و پرورش طراحان را معتمد خودش می داند و طرحهای آنها را می پذیرد. در مقطع ابتدایی، دانش آموز باید محیط پیرامونش را بشناسد و در دوره های دیگر استعداد خودش را پیدا کند. ما باید در دبستان به بچه ها چهار عنصر نظم، ارتباط، استقلال و سلامت را آموزش دهیم. این بچه دیگر وابسته نیست و وقتی تنهاست، گرسنه نمی ماند و کارهایش را خودش انجام می دهد. در این حالت ما می توانیم بگوییم که یک عنصر مستقل تربیت کرده ایم.

ساختار دوره ابتدایی (دبستان)

دوره ابتدایی به لحاظ رشد، تربیت و تکوین شخصیت کودکان، دوره بسیار مهمی است. این دوره را دوره اطاعت، تادیب، خلاقیت و بروز استعدادهای عمومی هم گفته اند. این سطح از آموزش، به نامهای «تعلیمات ابتدایی»، «تعلیمات اجباری»، «آموزش همگانی» و «آموزش عمومی» خوانده شده است. دبستان یک سازمان مهم اجتماعی است که باید هر یک از اعضای آن در کار خود بصیر و متبحر بوده و تصمیم های گرفته شده در این سازمان از سوی معلمان و سایر کارکنان با رهبری مدیر مدرسه به صورت هماهنگ اجرا شود تا اهداف آموزشی و پرورشی مدرسه ابتدایی تحقق یابد. برقراری نظم و اجرای مطلوب برنامه های امتحانی در این دوره بسیار مهم است. هر سال برای ثبت نام و امتحانات مدارس ابتدایی، آیین نامه های مصوب و بخشنامه های لازم به کلیه مدارس فرستاده می شود. بعضی از این مقررات عبارت است از:

- کودکانی که در اول مهر ماه هر سال دست کم ۵ سال تمام دارند و می توانند در کلاسهای آمادگی ثبت نام کنند.
- کودکانی که در اول مهر ماه هر سال دست کم ۶ سال تمام دارند و می توانند در پایه اول ابتدایی ثبت نام کنند.

- حداکثر سن ادامه تحصیل دانش آموزان دوره ابتدایی در شهرها ۱۵ سال تمام و در روستاها و عشایر ۱۷ سال است.

- ثبت نام مجدد قبول شدگان در یک پایه تحصیلی مجاز نیست و ثبت نام دانش آموزانی که در دو سال متوالی در یک پایه مردود شده اند، با رعایت شرایط سنی و دیگر مقررات برای سومین بار در همان پایه بلامانع است.

و چند مفاد و مقررات که هر سال از سوی آموزش و پرورش اعلام می شود.

مهمترین وظایف مسوولان دوره ابتدایی

در درجه بندی مدارس ابتدایی مطرح شد که در بعضی از مدارس روستایی، مدیر مدرسه علاوه بر ادای وظایف مدیریت، به تدریس نیز می پردازد و وظایف متعددی دارد.

در ضمن کلیه کارها و اقداماتی که در محیط مدرسه انجام می پذیرد، زیر نظر مدیر آموزگار مدرسه است. مدیر آموزگار مدرسه از نظر حسن اجرای امور پرورشی، آموزشی و اداری در مقابل اداره آموزش و پرورش محل مسوولیت تام دارد. در دبستان هایی که درجه بندی بالاتری دارند، تدریس به عهده آموزگاران است. وظایف مدیران مدارس ابتدایی در حیطه آموزشی، پرورشی و اداری به شرح زیر است:

- نظارت بر حسن اجرای برنامه ها و فعالیت های فوق برنامه
- اقدام به تشکیل شوراهای، بویژه شورای معلمان و گروههای آموزشی و پرورشی
- حضور در کلاس درس معلمان و مشاهده روش تدریس و کار آنها
- کوشش در جهت گسترش فضای مدرسه و تجهیز آن به نمازخانه، کتابخانه و...
- اقدام بموقع برای تشکیل انجمن اولیا و مربیان
- جلب مشارکت اولیای دانش آموزان در انجام دادن امور واحد آموزشی
- کوشش و اهتمام در شناسایی دانش آموزانی که ناهنجاری های رفتاری دارند
- تلاش در جهت حل مشکلات اخلاقی و خانوادگی دانش آموزان
- تقسیم کار با توجه به شرح وظایف افراد و تنظیم برنامه کار هفتگی کلاسها
- کسب اطلاع دقیق از پیشرفت یا عقب ماندگی تحصیلی دانش آموزان
- ارزشیابی کارکنان، طبق ضوابط مقرر
- نظارت مستقیم و دقیق بر تهیه و تنظیم دفتر امتحانات، دفتر آمار و فهرست دانش آموزان
- مراقبت از اموال مدرسه و نظارت بر حسن اجرای امور مالی
- اعلام بموقع نتایج و کارنامه امتحانات
- شناسایی کارکنان شایسته و فعال و علاقه مند و معرفی به مقامات برای تشویق و قدردانی
- رسیدگی به حضور و غیاب کارکنان و ثبت آن در دفتر

مشكلات اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و بهداشتی مقطع ابتدایی

وجود ۱۸ میلیون دانش آموز در حدود ۱۱۰ هزار واحد آموزشی و بیش از یک میلیون نفر کادر اداری و ۶۵۰ منطقه آموزشی و صدها دفتر و اداره کل که تنها ۱۵ درصد از بودجه سالانه را به خود اختصاص داده، قابل تامل و بررسی توسط کارشناسان است.

طبق اصل ۳۰ قانون اساسی، آموزش و پرورش حق گرفتن شهریه را ندارد؛ اما در قانون شوراها ماده ای را گنجانده اند که براساس آن، مدیران مدارس موظفند مدرسه تحت مدیریت خود را براساس بودجه اعتبارات دولتی اختصاص یافته به مدرسه، کمکهای مردمی مهم اختصاص یافته از طریق شورای آموزش و پرورش منطقه و وجوه حاصل از ارائه خدمات آموزشی و پرورشی فوق برنامه در مدارس اداره کنند. به گفته تعدادی از کارشناسان، شهریه های مدارس غیرانتفاعی در مقاطع اول تا پنجم ابتدایی به قدری بالاست که «فریادها به آسمان بلند شده است». آنها معتقدند که این شهریه های سرسام آور گاهی به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسیده است و باید نادیده نگیریم که ۹۰۰ میلیارد تومان به اعتبارات کشور در سال توسط این مراکز کمک می شود.

دولت سالانه برای هر نفر در مقطع ابتدایی فقط (۲۰۰ یورو) هزینه می کند که این در مقایسه با آلمان که در حدود (۳۳۰۰ یورو) است، بسیار اندک است. مشکل مدارس چند پایه در بسیاری از شهرها حتی پایتخت و کمبود فضای مناسب آموزشی برای خانوارهای عشایر، از مهمترین مشكلات اقتصادی است. از مشكلات اجتماعی می توان به تامین نشدن رفاه آموزشی، بهداشتی، درمانی و مالی برای معلمان و کارکنان اشاره کرد.

برای مثال، تعداد درمانگاه فرهنگیان ۱۰۸ واحد در کل کشور است. ۷۰ درصد دانش آموزان نیز از رفاه مناسبی برخوردار نیستند. برای رفع نیازهای ضروری و اضطراری فرهنگیان و دانش آموزان، سالانه بین ۵ تا ۶ میلیارد تومان بودجه اختصاص یافته که این بخشی از آن نیازها را می تواند برآورده کند. از نظر امکانات تفریحی نیز می توان گفت که در مقایسه با کشورهای اروپایی، بسیار پایین است.

طبقاتی کردن نظام آموزشی نیز از معضلات اجتماعی به شمار می رود. وجود مدارس چند پایه و تدریس معلمان بدون گذراندن دوره آموزشی خاص که باید ۳۰ کتاب درسی را برای پنج پایه طی ۱۳۲ ساعت در حداقل فضا و امکانات تدریس کنند بزرگترین مشکل از نظر آموزشی به حساب می آید. کیفیت آموزشی به دلیل کمبود معلمان کارشناس و دوره دیده در مقایسه با کشورهای اروپایی و امریکایی در این مقطع بسیار پایین است؛ مثلاً سطح کیفی مدارس غیرانتفاعی در مقایسه با سایر مدارس، روند نزولی را نشان می دهد. همچنین در استان های محروم به دلیل کمبود معلم، بسیاری از دانش آموزان در طی سال، چند ماهی بیکارند. یا اکثر معلمان این مناطق را مشمولان خدمت سربازی تشکیل می دهند که باید برای جایگزین آنها فکری اساسی کرد. برخی از کارشناسان اعتقاد دارند با وجود کاهش تعداد دانش آموزان در سال های اخیر، تسهیلات کافی برای تحصیل آنان مهیا نیست.

در آیین نامه اداره کل تغذیه و هماهنگی بهداشتی مدارس چنین آمده است که محل احداث مدارس باید به دور از مسیر وسایل نقلیه عمومی (فرودگاه، مترو، ایستگاه قطار و...)، بهره مندی از آب و برق و سیستم جمع آوری زباله و فاضلاب و از کارخانجات، بیمارستان ها، گورستان ها، کشتارگاه ها و مراکز پرسروصدا و دود و غبار به دور باشد. ولی متأسفانه در ۵۰ درصد از مشاهدات و در اکثر مناطق، خیلی از این موارد محسوس بوده است. در ۷۰ درصد از مدارس، کمبود وسایل بهداشتی، عدم حضور پزشک و یا مددکار در مواقع ضروری و در اسرع وقت محسوس بوده و آبخوری ها، سرویس های دستشویی و توالت، بوفه و سالن غذاخوری و راهروهای قابل شستشو، نامناسب بوده و روشنایی در محیط کلاسها، در خیلی از مدارس ناکافی بوده است. گفته ها درباره آموزش و پرورش و در سطح کلان آن بسیار وسیع بوده و در این مختصر نمی توان همه جوانب آن را مورد نقد و بررسی قرار داد؛ اما آنچه که قابل لمس است و هر فرد فرهیخته در وهله اول به آن فکر می کند و علل و موجبات مثلاً پیشرفت و یا عقب ماندگی ها را احساس می کند که اغلب دست اندرکاران آموزش و پرورش با آن مواجهند و دست و پنجه نرم می کنند می توان در جمع بندی کلی و در موارد زیر بیان کرد.

رسیدگی به وضع اقتصادی معلمان و دانش آموزان کم درآمد که از مهمترین مقولات و مشکلات موجود است. بالا بردن ارزش و مقام معلمان را در جامعه نیز می توان از مولفه های اساسی در پیشبرد مقاصد آموزشی دانست. بهداشتی ساختن مناطق محروم و آشنایی دانش آموزان و اولیای آنها از محاسن بهداشت می تواند بار سنگینی را از دوش آموزش و پرورش برداشته و رسیدن به نقطه مقصود را سریع تر کند.

ایجاد فضاهای آموزشی با مدلها و معیارهای منطقه ای و اقلیمی که در امر آموزش بسیار تاثیرگذار خواهد بود. توسعه مراکز آموزشی برای تیزهوشان و یا عقب مانده ها و افراد استثنایی و کم هوش با بهره گرفتن از معلمان متخصص و متبحر. مجهز ساختن همه مراکز آموزشی به وسایل کمک آموزشی که این امر سبب تغییر آموزش از تدریس و آموزش شفاهی و قدیمی به روشن جدید و عملی خواهد شد. در این گونه فضاها، استعدادهای پنهان بخوبی خود نمایی خواهند کرد. همچنین وجود کتابخانه های معتبر و فضاهای تفریحی و فرهنگی در روحیه دانش آموزان و معلمان بسیار موثر و مفید خواهد بود.

در ادامه به یکی از مشکلات و معضلات شایع در نظام آموزشی ایران بویژه در حوزه آموزش ابتدایی می پردازیم. وقتی صحبت از افت تحصیلی می شود، منظور تکرار پایه تحصیلی در یک دوره و ترک تحصیل پیش از پایان دوره است. به عبارت دیگر افت تحصیلی شامل جنبه های مختلف شکست تحصیلی، چون غیبت مطلق از مدرسه، ترک تحصیل قبل از موعد مقرر، تکرار پایه تحصیلی، نسبت میان سنوات تحصیلی دانش آموز و سالهای مقرر آموزش و کیفیت نازل تحصیلات می شود.

منظور از افت تحصیلی کاهش عملکرد تحصیلی و درسی دانش آموز از سطح رضایت بخش به سطح نامطلوب است. افت تحصیلی یعنی دانش آموز در هنگام تحصیل بعد از یک دوره موفقیت تحصیلی یا متوسط، به تدریج ظرفیت یادگیری او کاهش یافته و یا تکرار پایه تحصیلی داشته باشد.

به طور کلی نمرات او نسبت به ماه قبل یا سال های قبل سیر نزولی محسوس از خود نشان می دهد. افت تحصیلی به عنوان شاخص اتلاف آموزشی، از نظر مفهوم عام به هر گونه ضعف در سوادآموزی و یا وجود بیسوادی گفته می شود؛ اما از نظر مفهوم خاص عبارت از محقق نشدن انتظارات آموزشی و شکست در اهداف آموزشی است و نابسامانی در فرآیند یاددهی - یادگیری را در برمی گیرد. افت از نظر لغوی به معنی کمبود، کمی، کم و کاست و نقصان است.

منظور از افت تحصیلی «کاهش عملکرد تحصیلی دانش آموز از سطح رضایت بخش به سطحی نامطلوب است.» همچنین افت در لغت به معنای ضایعات، ضایع کردن که بیشتر در نظر اقتصاددانان مطرح شده است؛ اما در بعضی از متون فارسی کلمه ترک تحصیل نیز معادل افت تحصیلی در نظر گرفته شده است.

به عبارتی افت تحصیلی عبارت است از نزول از یک سطح بالاتر به سطح پایین تر در تحصیل و آموزش .
افت تحصیلی به معنای دقیق آن، زمانی است که فاصله قابل توجهی بین توان و استعداد بالقوه و توان بالفعل فرد در فعالیتهای درسی و پیشرفت تحصیلی مشهود باشد. گرچه این تعریف می تواند همه کسانی را که به دنبال شکستهای پی در پی تحصیل، از تحصیل عقب مانده و عمدتاً به اصطلاح تجدید یا مردود شده اند را در بر گیرد اما مفهوم افت تحصیلی صرفاً در رفوزگی و تجدیدی خلاصه نمی شود و می تواند شامل هر دانش آموز و دانشجویی شود که اکتسابهای آموزشگاهی و پیشرفت دانشگاهی او کمتر از توان بالقوه و حد انتظار اوست. لذا بر اساس این تعریف دانش آموزان تیزهوش نیز ممکن است دچار افت تحصیلی و کم آموزی بشوند.

منظور از افت تحصیلی کاهش عملکرد تحصیلی و درسی دانش آموز از سطح رضایت بخش به سطحی نامطلوب است. مقایسه و سنجش سطح عملکرد تحصیلی قبلی و فعلی دانش آموز در این تعریف بهترین سنجش افت تحصیلی است. بنابراین اگر بین توان بالقوه و بالفعل دانش آموز در جهت منفی فاصله ایجاد شود به آن افت تحصیلی گویند. پس افت تنها به مردودی محدود نمی شود بلکه هرگاه میزان پیشرفت تحصیلی کمتر از حد انتظار و توان باشد می شود گفت که افت تحصیلی اتفاق افتاده است.

برخی معتقد که این واژه را دانشمندان حوزه تعلیم و تربیت از اقتصاد دانان به عاریت گرفته اند، بدین معنی که آنها آموزش را به صنعتی تشبیه کرده اند که بایستی مواد اولیه، سرمایه و کار را تبدیل به کالایی معین کند که در صورت وجود افت تحصیلی این فرآیند به درستی اتفاق نمی افتد یا کالایی نهایی با مطلوبیت کمتری عرضه می شود. ناکامی های تحصیلی به شکل گریز از مدرسه، تجدیدی، مردودی و ترک تحصیلی به منصفه ظهور می رسد.

کاربرد اصلاح افت یا اتلاف در آموزش و پرورش، از اقتصاد گرفته شده و آموزش و پرورش را، به صنعتی تشبیه می کند که بخشی از سرمایه و مواد اولیه ای را که باید به محصول نهایی تبدیل شود، تلف می کند و نتیجه مطلوب و مورد

انتظار را، به بار نمی آورد، اگر از نقطه نظر منابع و مخارجی که جامعه در اختیار نهاد تعلیم و تربیت قرار می دهد، به آموزش و پرورش نگریسته شود، بدون شک آموزش و پرورش، یکی از بزرگترین نهادهای اقتصادی جهان است. لذا می توان اصطلاح (افت) یا (اتلاف) را در مورد آن بکار برد و به سؤالی که بیانگر انواع افت است، پاسخ داد، این سؤال عبارتست از اینکه چه چیزی تلف شده است؟!

گروهی به سوال فوق چنین پاسخ می دهند: پرورش و یادگیری انسانها، تأسیسات ساختمانی و تجهیزات مدارس و مؤسسات آموزشی، ارزش کار معلمان و وقت دانش آموزان.

گروهی دیگر اتلاف های ناشی از افت تحصیلی را چنین ذکر می کنند:

الف - اتلاف هزینه های جاری اداره مؤسسات توسط دولت.

ب - اتلاف سرمایه گذاری ثابت، برای احداث و تجهیز فضاهای آموزشی.

ج - اتلاف هزینه های مستقیم خانواده مانند نوشت افزار و سایر وسایل تحصیلی و...

د - اتلاف ناشی از سرماخوردگی و از دست رفتن روحیه و احساس حقارت و مانند آنها، جملگی مانع شکوفایی کامل استعدادها و توانایی های فرد شکست خورده در تحصیل است.

ز - اتلاف ناشی از هزینه های تحمیل شده به دولت و خانواده ها، به علت بروز انحرافات ناشی از سرماخوردگی، افسردگی و طغیان نوجوانان شکست خورده.

و - اتلاف هزینه های حمل و نقل و ارتباطات، برای رفت و آمد دانش آموزان مدرسه.

افت تحصیلی به طور اعم شامل سه مفهوم: تکرار پایه تحصیلی، ترک تحصیل زودرس و کاهش کیفیت تحصیلی دانش آموز است.

بطور اخص افت تحصیلی شامل تکرار پایه تحصیلی و کاهش کیفیت تحصیلی دانش آموزان است. افت تحصیلی را می توان چنین تعریف کرد. کودکی در مدرسه ای ثبت نام می کند اما در فرایند تعلیم و تربیت در یک سطح و پایه تحصیلی با شکست مواجه می شود، تکرار کننده پایه تحصیلی کودک یا نوجوانی است که پایه تحصیلی را مجدداً تکرار می کند.

کاهش کیفیت تحصیلی به این معناست که وضعیت تحصیلی یک دانش آموز در سطح مطلوب یا معمول نیست و بالاخره ترک تحصیل عبارتست از اینکه مثلاً دانش آموزی، قبلاً در فرایند تعلیم و تربیت نقش داشته و تحت تعلیم قرار گرفته است اما به دلایلی تصمیم می گیرد، برای مدتی یا برای همیشه، در فرایند آموزش و پرورش مشارکت نداشته باشد البته تصمیم به ترک تحصیل ممکن است از جانب خود دانش آموز یا والدین یا افراد دیگری باشد که عموماً خود فرد یا والدین او، باعث می شوند که فرد تحصیلاتش را ادامه ندهد.

بسیاری از صاحب نظران، افت تحصیلی را، از دو جنبه مورد بررسی و مطالعه قرار می دهند:

افت کمی و افت کیفی.

افت کمی شامل نسبت دانش آموزان مردود شده و ترك تحصیل کنندگان یک دوره آموزش به کل ثبت نام شدگان آن دوره است.

افت کیفی ناتوانی برنامه ها و روش های آموزش در تحقق کامل هدفهای پیش بینی شده برای پرورش استعدادها و تواناییها و مهارتها و خلاقیت ها. افت کیفی هر دوره در دوره های بالاتر تحصیلی به افت کمی منجر می شود دانش آموزانی که دوره ابتدایی را به پایان می رسانند اما توانایی و مهارتهای لازم را به گونه ای که در هدفهای این دوره پیش بینی شده، به خوبی کسب نمی کنند در دوره راهنمایی تحصیلی احتمالاً به گروه دانش آموزان مردودی می پیوندند و ملاحظه می شود که کاهش افت کمی بدون بالا بردن سطح کیفی آموزش و پرورش است.

گروهی دیگر انواع افت تحصیلی یا اتلاف در آموزش و پرورش را بصورت ذیل طبقه بندی می کنند.

الف - افت بر اثر قصور نظام اجتماعی، در فراهم آوردن آموزش و پرورش همگانی: از آنجا که تعلیم و تربیت وظیفه شکوفایی استعدادهای انسان را بر عهده دارد و تحقق انسانیت در گرو تعلیم و تربیت می باشد بدین لحاظ جامعه و کشوری که در فراهم آوردن آموزش و پرورش همگانی قصور داشته باشد وظایف خود را در برابر شهروندان خود انجام نداده و لذا با پرورش توان بخشی از منابع انسانی خود عامل اتلاف شده است.

ب - افت بر اثر قصور نظام آموزشی در آوردن کودکان، نوجوانان و جوانان، به داخل نظام آموزشی این نوع افت هنگامی رخ می دهد که امکانات تحصیلی به نوعی برای افراد فراهم گردیده است، اما به علل مختلف از جمله نگرش خانواده نسبت به تحصیل کودکان و جوانان خود مثلاً به لحاظ جنسیت آنان یا نیازی که خانواده به کار فرزندان خود دارد و یا به علل دیگر از فرستادن فرزندان به مؤسسات آموزشی خودداری می شود.

ج - افت بر اثر قصور نظام آموزشی در نگهداری افراد در داخل نظام آموزشی، توانایی نگهداری دانش آموزان در نظام آموزشی به عوامل خارجی و داخلی نظام آموزش و پرورش بستگی دارد؛ یعنی شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه ممکن است طوری باشد که مدرسه نتواند چنانکه در نظر دارد تا حد لازم افراد را در مدرسه نگهدارد، لذا تعدادی از آنها مدرسه را ترك می کنند.

د - افت بر اثر قصور نظام آموزشی در ایجاد در ایجاد هدفها و برنامه های متناسب آموزشی: در این نوع افت، افراد به مؤسسات آموزشی آمده و تحصیلات خود را ادامه داده و از مرحله یا دوره ای از آموزش و پرورش، فارغ التحصیل می شوند، به علت نامناسب بودن هدفها و برنامه های این مؤسسات قابلیت و مهارتهای لازم را کسب نمی کنند، لذا تحصیلات آنها نوعی افت محسوب می شود.

ه - افت بر اثر قصور نظام آموزشی در دستیابی به هدفها و برنامه های مؤثر آموزشی: این نوع افت از کارایی نامناسب نظام آموزشی در دستیابی به هدفها و برنامه های خود حاصل می شود این نوع افت را می توان بر حسب کاهش محصول نظام آموزشی در هر پایه تحصیلی از آنچه که نظام آموزشی در نظر داشته به آن برسد تشخیص داد.

معیار عدم موفقیت ارزیابی مدرسه، از کار دانش آموزان در خلال سال تحصیلی و یا امتحانی است که در پایان سال به عمل می آید. این عدم موفقیت یا به مردودی و تکرار پایه تحصیلی و یا به ترک تحصیل منجر می شود. با توجه به مطالب فوق می توان اینگونه نتیجه گرفت که در آموزش و پرورش، انواع متعدد افت (ضایعه) وجود دارد؛ اما آنچه در تمام این انواع مشترک است و تحت یک عنوان کلی می تواند مطرح باشد، عدم توفیق در تحقق هدفها و مقاصد تربیتی است

بعبارت دیگر هرگونه عاملی که بازده کار مدرسه و خانواده و یا اجتماع را از لحاظ نیل به مقاصد تربیتی کاهش دهد نوعی اتلاف و ضایعه است بنابراین هر نوع نارسایی در هریک از ابعاد کار تربیت ممکن است منشاء اتلاف و ضایعه باشد. وضعف و کمبود در برنامه ها و روش ها با خط مشی های اجرایی، عدم شایستگی و آزمودگی کاردر آموزشی، کمبود وسایل و نارسایی در محیط کار، عدم همکاری در مدرسه و خانواده، مبانی مهم اتلاف بشمار می آیند. به علاوه شرایط اجتماعی و اقتصادی خانواده شیوه و میزان مراقبت خانواده در تربیت فرزند، روابط اجتماعی و فرهنگ جامعه نیز بعنوان عوامل برون مرزی مدرسه ممکن است سود بخشی فعالیت های تربیتی را کاهش داده و ضایعه و اتلاف به بار آورند.

عمده ترین دلایل افت تحصیلی

- ۱- عوامل فردی: شامل هوش، توجه و دقت، انگیزه، هیجانات و آشفتگی های عاطفی و نارسایی های جسمی.
- ۲- عوامل خانوادگی: شامل روابط خانوادگی، فقر مالی و اقتصادی، فقر فرهنگی والدین، فقدان والدین یا والد.
- ۳- علل آموزشی مدرسه: شامل شیوه تدریس معلم، برنامه درسی مدرسه، پیشداوری معلم، شرایط فیزیکی کلاس، ارزیابی های نادرست معلمان از عملکرد دانش آموزان، پایین بودن نسبت معلم به دانش آموزان، کمبود معلم مجرب، آموزش دیده و علاقه مند به تدریس و تحت پوشش قرار نگرفتن دانش آموزان واجب التعلیم.

از علل دیگر افت تحصیلی می توان موارد زیر را بیان کرد

• کند ذهنی که ممکن است عامل وراثتی یا عامل محیطی باشد.

• از دست دادن یکی از اقوام نزدیک

• مشکلات خانوادگی یا متشنج بودن خانواده

• نرسیدن ویتامین های کافی به بدن

• ایجاد آلودگی های صوتی در منزل یا مدرسه

• همنشینی با دوستانی که پایین تر از سطح خودش می باشد

• زندگی کردن با افراد غیر از خانواده خودش

• خستگی ناشی از رفت و آمد به مدرسه

• مزاحمت مداوم یکی از همکلاسی ها

• از بین بردن اعتماد به نفس و کوچک شمردن دوستان یا اولیای خود دانش آموز

• برخورد نامناسب اولیا مدرسه یا دانش آموز

• نداشتن بیان شیوای معلم.

در این میان سه عامل وراثتی یا محیطی، کمبود یکی از والدین و از بین بردن اعتماد به نفس تاثیر بیشتری در این مساله دارند که در ذیل آن‌ها را بررسی می کنیم:

- عامل وراثتی یا محیطی: عامل وراثتی، ژنتیکی و خدادادی است اما عامل محیطی ناشی از مواردی مانند ضربه خوردن سر، تشنج کردن و سقوط از بلندی می باشد. در برخورد با این نوع دانش آموزان معلم ابتدایی می تواند کمک حال بچه باشد. عقب مانده ذهنی را معلم می تواند با رفتار خویش جذب کلاس و درس کند، حتی با محبت کردن چون این دسته از دانش آموزان هم در خانواده و هم در مدرسه بی محبتی دیده اند. تنها راه مدارا کردن با این دانش آموزان است با محبت کردن می توان ارتباط عاطفی معلم و دانش آموز را به وجود آورد آن موقع دانش آموز تمام و کمال به حرف معلم گوش می دهد.

یکی دیگر از راه کارها این است که از آن‌ها به اندازه توانایی خودشان انتظار داشته باشیم؛ مثلا اگر بهره هوشی دانش آموزی ۶۵ است نباید انتظار نمره ۱۸-۱۷ را از او داشته باشیم. هر نمره ای که این دسته از دانش آموزان کسب می کنند اگر با تلاش گرفته شود، جای تقدیر دارد حتی اگر کم باشد. معلمان باید از دانش آموزان کند ذهن سوال هایی را بکنند که می دانند قادر به جواب دادن به آن هستند تا بدین گونه اعتماد به نفسشان بیشتر شود.

برای اینکه یک دانش آموز کندذهن در کلاس موفق باشد معلم سه اقدام را باید انجام دهد. پذیرش دانش آموز محبت کردن تشویق کردن ممکن است یکی سوال کند که با این دانش آموز ناهنجار باید چگونه برخورد کرد در پاسخ می گوییم که اگر فرزند خودمان همین وضعیت را داشت چه کار می کردیم، باید فرض کنیم فرزند خودمان است و آنگونه با وی رفتار کنیم. به خاطر همین باید رفتار مادرانه بکنیم تا نتیجه اش را ببینیم. اینگونه دانش آموزان اگر در خانواده و مدرسه محبت نبینند گرفتار محبت های کاذب می شوند و آن موقع کار سخت و دشوار می گردد.

- از دست دادن یکی از والدین: این عامل ضربه بزرگی برای دانش آموز است. اگر دانش آموز پدر نداشته باشد تمام رفتارها و حرکات پدر را الگو قرار می دهد و یا از نظر عاطفی چون پدر کمتر در منزل حضور پیدا می کند، بچه ها تشنه پدران هستند.

اگر این نعمت را خدا یک دفعه از فردی بگیرد خلاء روانی به وجود می آید، بچه همیشه به دنبال گمشده اش می باشد ولی هرگز پیدا نمی کند. اگر گمشده فرزند مادر باشد، کار بدتر می شود چون مادر مدیر خانه و نظم دهنده به امورات منزل می باشد. از همه مهمتر از نظر تربیتی پوششی و خوراک و... مادر مسوول است و اگر مادر نباشد در یادگیری اختلال عمیق به وجود می آید.

- اعتماد به نفس: دیگر از مواردی که لازم به توضیح است اعتماد به نفس است. اگر معلمی به دانش آموز ضعیف مدام بگوید تو می دانی تو بهترین هستی، از چشم های مشخص است که تصمیم گرفتی درس بخوانی، دانش آموز مسیر خود را عوض می کند و شاید در آینده درس خوان تر از دیگران باشد. معلم در برابر دانش آموز که درسش ضعیف است باید تمام ترفندهایی که به ذهنش می رسد را به کار بندد

مثلا او را تشویق زبانی کند یا به او جایزه دهد و یا حتی با جواب دادن کمترین پاسخ سر را به معنی رضایت تکان داده تا دانش آموز تشویق شود. همچنین می تواند با مسئولیت دادن به او مثلا انتخابش به عنوان نماینده کلاس یا بهداشت یا سرگروه درسی و تکالیفی یا به عللی به دفتر فرستادن، اعتماد به نفس او را بیشتر کند تا شاید آن افت تحصیلی جبران شود

عوامل مؤثر برافت تحصیلی با توجه به تحقیقات و مطالعاتی که در سطح ایران و جهان در رابطه با مسأله افت تحصیلی انجام گرفته است و تجارب شخصی، می تواند عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانش آموزان را به چهار مقوله اصلی تقسیم نمود:

الف- عوامل مربوط به نظام آموزشی

- نامتناسب بودن هدفها و محتوای برنامه ها با نیازها و استعدادها و علایق دانش آموزان: قصور نظام آموزشی در برقراری هدفها و برنامه هایی که با نیازهای رشد و تکامل فرد و علایق و انگیزه های او متناسب و هماهنگ باشد، بر جریان تعلیم و تربیت تأثیر نامناسبی برجای گذارده و باعث افت تحصیلی می گردد. در تعیین اهداف باید نیازهای فردی و اجتماعی فراگیران همواره، مورد نظر باشد، علاوه بر این مشخص بودن اهداف، وسیله مناسبی برای تعیین نوع مواد آموزشی، محتوای برنامه ها و چگونگی ارزشیابی و ایجاد هماهنگی بین فعالیت های مختلف آموزشی، حیطه فعالیت معلم می باشد و شاگردان با آگاهی از هدفهای آموزشی با میل و علاقه بیشتری به یادگیری می پردازند. علاوه بر این هماهنگی بین اهداف آموزشی، با استعدادها، علایق و نیازهای فراگیران، بر جریان آموزشی، تأثیر مطلوبی برجای می گذارد؛ بنابراین می توان گفت، عدم توجه به نیازها و استعدادهای دانش آموزان و تفاوت های فردی آنان، در این زمینه علاقه و انگیزه آنان را برای آموختن، از بین برده و این عدم علاقه، بازتاب نامطلوبی، بر نتایج کار داشته و میزان افت تحصیلی را افزایش می دهد.

- کمبود فضا و امکانات آموزشی: معلم خوب در شرایط محدود نیز می تواند مؤثر واقع شود؛ اما شکی نیست که فضا و تجهیزات آموزشی مناسب می تواند در کیفیت تدریس معلم و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، بسیار مؤثر باشد و موجبات کاهش افت تحصیلی را فراهم آورد در رابطه با فضا و امکانات آموزشی می توان به موارد ذیل اشاره داشت: کثرت دانش آموزان در کلاس؛ با وجودی که آموزش و پرورش، سقف دانش آموزان هر کلاس را مشخص نموده اند (۳۵ نفر برای مدارس شهری و ۲۵ نفر برای مدارس روستایی) اما این سقف به علت کمبود کلاس، رعایت نمی شود و گاهی در کلاس، بیش از این تعداد، دانش آموز وجود دارد و همین عامل سبب می شود که معلم نتواند به طور مؤثر و

شایسته با دانش آموزان کار کند و به ارزشیابی مستمر آنان پردازد و نقاط ضعف و قوت هر دانش آموز را بسنجد و در رفع نواقص آن اقدام نماید.

- فقدان کتابخانه غنی فعال: با توجه به اهمیت روز افزون کتاب و کتابخوانی، در اکثر مدارس، کتابخانه ای وجود دارد ولی بیشتر محتوای این کتابخانه ها را کتابهای داستان تشکیل می دهد و کتابهای کمک آموزشی درصد ناچیزی را شامل می شود.

در موارد نادری که کتابخانه ای غنی هم وجود داشته باشد، فرهنگ مطالعه نه تنها در دانش آموزان ما، بلکه در کلیه افراد جامعه ما رشد نکرده و جا نیفتاده است باید دانش آموزان را به مطالعه و تشویق و ترغیب نماییم، چنانچه دانش آموزان به مطالعه پایبند و علاقمند باشند، هرگاه با مشکلی در امر تحصیل یا زندگی مواجه شوند در رفع آن اقدام می نمایند و خودشان می توانند نقاط ضعف خود را قوت بخشند.

-فقدان آزمایشگاه و تجهیزات مناسب: برای دروسی که جنبه علمی دارند (مثل درس علوم و...) مدارس نیازمند به یک آزمایشگاه مجهز می باشند، ولی به جرأت می توان گفت که بندرت در مدارس آزمایشگاه وجود دارد یا معلم (مسئول آزمایشگاه) آزمایش مربوطه را انجام می دهد و به دانش آموزان فرصت انجام آزمایش را داد و معلم یا مسئول آزمایشگاه، جنبه هدایتی و ارشادی داشته باشند. تخته سیاه و میز و نیمکت نامناسب: در مدارس، بهترین وسیله برای انتقال اطلاعات و مفاهیم از ذهن معلم یا کتاب درسی به دانش آموزان، تخته سیاه می باشد که متأسفانه تخته سیاه های مدارس از کیفیت مطلوبی برخوردار نیستند. در ضمن میز و نیمکتهایی که دانش آموزان از آنها استفاده می کنند، کیفیت نامطلوبی دارند و حتی در مواردی که آمار دانش آموزان در کلاس بالا می باشد، تعداد زیادی از دانش آموزان از یک میز و نیمکت استفاده می کنند. در چنین حالتی که دانش آموزان با کمبود فضا مواجه می شوند چگونه می توان انتظار داشت که ذهنشان را به مطالب درسی و آموزشی متمرکز نمایند.

- نامتناسب بودن روش های ارزیابی: در اکثر نظام های آموزشی، پیشرفت تحصیلی و ارتقاء به کلاس بالاتر بر اساس ارزشیابی ها و امتحاناتی است که به طور فصلی و یا در پایان سال تحصیلی، از دانش آموزان به عمل و نمراتی که دانش آموزان در این امتحانات کسب می کنند، سرنوشت آینده آنان را روشن می سازد که به کلاس بالاتر می روند یا مردود شده و باید همان کلاس قبلی را تکرار کنند و یا ترک تحصیل گفته از نظام آموزشی خارج شوند. این تأکید زیادی بر نمرات امتحانی می شود.

از سوء دیگر نیز بر کل نظام آموزشی می گذرد یعنی دیگر این تکوین و تکامل فرد نیست که هدف اصلی نظام آموزش و پرورش است، بلکه توانایی یادگیری اموری که قابل اندازه گیری باشند، هدف اصلی بشما می آید و در این صورت نمره، به خودی هدف شده است و نه وسیله ای برای تصمیم گیری دوباره چگونگی کمک به آموزش و پرورش فرد.

نکته مهم دیگری که باید به آن توجه نمود، این است وقتی کار دانش آموز ارزیابی می شود بجای تأکید برآنچه که دانش آموز صحیح انجام داده است، بر اشتباهات او تأکید می شود. تغییر وتحول ونوآوری درروش های انتخابات

وارزیابی پیشرفت تحصیلی باید ابتدا بصورت تغییر در نگرش معلم، نسبت به کار دانش آموز جلوه گر شود تا بجای شمردن خطاهای دانش آموز، به آنچه که صحیح انجام داده توجه نموده و آنها را مورد تأیید و تشویق قرار دهد زیرا نتایج پژوهش های بسیاری از روانشناسان، بر این امر دلالت دارد که اگر پاسخ های صحیح دانش آموز و پیشرفت های جزئی او هرچقدر هم ناچیز باشد مورد توجه و تأیید قرار گیرد عملکرد و پیشرفت او بهبود خواهد یافت.

- نامناسب بودن مقررات، شرایط و فضای مدرسه: شرایط نامناسب مدرسه و کلاس، تهدیدها و توبیخ های رسمی و غیررسمی و تنبیه ها و جریمه های مکرر، ثبات عاطفی و روانی دانش آموزان را مختل نموده، شخصیت آنان را متزلزل کرده و آنان را کینه توز و پرخاشجو و نامتعادل می سازد. لذا به تقلب، خشونت و بی انضباطی گرایش یافته و این شرایط و مقررات نامطلوب، کارآیی نامناسب مدارس را بصورت مردودی و افت تحصیلی را در پی خواهد داشت.

- ضعف مدیریت: تحقق هدف های آموزشی رابطه نزدیکی با اثربخشی مدیریت دارد، نقش مدیران آموزشی سازماندهی مؤثر و بسیج منابع انسانی و مالی و مادی و هدایت فعالیت های اجرایی برنامه های آموزشی است. گرچه عوامل عمده در این جریان معلمین و دانش آموزان هستند ولی مدیران آموزشی می توانند با ایجاد روحیه و شرایط مناسب، تهیه و تدارک مواد و وسایل آموزشی راهنمایی و مساعدت فکری و ارزشیابی عملکردها و نتایج فعالیت های آموزشی زمینه اجرای مؤثر برنامه ها و تحقق هدف ها را فراهم سازند. مدیران آموزشی با اقداماتی نظیر موارد زیر می توانند تغییرات چشمگیری در بازده کار معلمان و دانش آموزان بوجود آورند.

الف: هدف های کلی نظام آموزشی بصورت هدف دار و تحقیق تعریف شوند.

ب: هدف های کلی به هدفهای فرعی تقسیم شوند به طوری که در سطح مدارس قابل درک باشند.

ج: مدیران به کمک معلمان، هدفها را مجدداً به صورت هدف های عملی قابل اجرا در کلاس تعریف نمایند.

د: مدیران با اقدامات مناسب و بالا بودن روحیه کارکنان شرایطی فراهم سازند که معلمان هدفهای شغلی و شخصی خود را با هم پیوند دهند.

ب - عوامل مربوط به معلم

- عدم تخصص معلم: در بسیاری از مناطق خصوصاً مناطق روستایی مدارس با کمبود معلمان متخصص مواجه هستند. در نتیجه آنان مجبورند به تدریس دروسی بپردازند که تجربه و مهارت کافی در آن درس را ندارند و همین امر کارایی نظام آموزشی را کاهش میدهد و موجبات افت تحصیلی را فراهم می کند.

- استفاده از معلمان طرح سربازی (سرباز معلمان) این واقعیتی است که ما با کمبود معلم مواجه هستیم و آموزش و پرورش وظیفه دارد به تامین معلمان مورد نیاز مدارس بپردازد. یکی از طرح های آموزش و پرورش برای جبران کمبود معلم، استفاده از دیپلمه ها و... به صورت طرح سربازی است اگرچه به وسیله این طرح به ظاهر مشکل کمبود معلم تا حدی جبران می شود ولی این طرح خالی از اشکال نیست مهمترین اشکال این طرح این است که سرباز معلم، خصوصاً معلمان دیپلمه از مهارت و تجربه کافی در رابطه با درس مربوطه و امر تدریس و آموزش برخوردار نیست. دانش آموزی

که به تازگی دیپلم گرفته است یا دانشجویی که تازه در رشته ای غیر از رشته های دبیری فارغ التحصیل شده است، بعد از گذراندن یک دوره کوتاه مدت آموزشی به امر مهم و خطیر تدریس و آموزش مشغول می شود در چنین حالتی چگونه می توانیم انتظار معجزه از این معلمان را داشته باشیم؟ علاوه بر این مورد، اشکال دوم این طرح کمبود انگیزه و رغبت این معلمان به امر آموزش است بیشترین انگیزه داوطلبان طرح سربازی، این است که با استفاده از این طرح، از آموزش در پادگان رهایی پیدا می کنند و مدت سربازی خود را در خارج از پادگان می گذرانند.

- استفاده از روش های تدریس نامناسب: تدریس را نباید به وسیله ای برای انتقال دانش، از ذهن معلم یا محتوای کتاب، به ذهن دانش آموز تلقی نمود بلکه مراد از تدریس فراهم کردن شرایط مناسبی است که دانش آموزان تحت آن شرایط به یادگیری بپردازند و روش آموختن اکتشافات و تفکر علمی را فراگیرند. امروزه اعتقاد بر این است که چنانچه معلم از شیوه تدریس فعال یادگیرنده محور استفاده نماید، موجبات کاهش افت تحصیلی را فراهم خواهد کرد؛ اما متأسفانه روشهای تدریس و یادگیری متداول در اکثر نظام های آموزشی بر اساس گوش دادن و بیان لفظی و حفظ کردن مطلب درسی، استوار است به جای تبادل افکار و بحث درباره امور و پدیده ها، معلم مطالب را بیان می کند و شاگردان گوش می کنند یا گوش نمی کنند و سپس آنها را تکرار می کنند. به هر حال نادیده گرفتن این امور و تأکید بیش از حدی که بر روش های یادگیری غیر فعال معلم محور می شود، ذوق و خلاقیت و ابتکار دانش آموزان را نادیده گرفته، انگیزه ها و علایق آنان را برای آموختن از بین می برد، آنان را به افرادی منفعل و بی علاقه تبدیل می نماید که نتیجه آن به صورت بی حاصل بودن نظام آموزش و پرورش یا کارایی نامناسب نظام به صورت افت تحصیلی بروز می کند. به حق می توان گفت یکی از عوامل افت تحصیلی به ویژه افت کیفی در نظام آموزش و پرورش را باید در روش های تدریس معلمان جستجو کرد.

- عدم توجه معلمان به روشهای صحیح تربیتی: کاربرد تنبیه ها، سرزنش دانش آموزان در جلو جمع، عدم توجه به نظرات دانش آموزان، عدم توجه به کاربرد تقویت کننده تشویق ها عدم ایجاد انگیزه در کلاس، تأکید بر اشتباهات دانش آموزان، به جای تأکید بر پاسخ های صحیح آنان، تأکید بر نقش عامرانه معلم در کلاس به جای نقش راهنما و هدایت کننده معلم و... همگی می توانند به عنوان علتی برای افت تحصیلی به شمار روند. ۵- کمبود امکانات رفاهی معلمان: شاید این مسئله به طور مستقیم با افت تحصیلی دانش آموزان در ارتباط نباشد، ولی بطور غیر مستقیم، در افت تحصیلی دانش آموزان مؤثر است.

وقتی معلمان در تأمین معیشت خود، با مشکل مواجه شوند، چگونه می توانند با خاطر آزاد و باز به امر آموزش و پرورش دانش آموزان بپردازند؟ برای ایجاد جاذبه شغلی در حرفه معلمی، لازم است تدابیری اندیشیده و امکانات و شرایطی فراهم گردد تا معلمان چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی و اجتماعی، تأمین بیشتری داشته باشند و با خیال راحت و آسوده به امر آموزش و پرورش دانش آموزان بپردازند. ج - عوامل مربوط به والدین و محیط

۱- بی سوادى والدین: دانش آموزان خصوصاً در دوره ابتدایی نیازمند کمک والدین در انجام تکالیف درسی می باشند و دانش آموزانی که والدین آنها سواد لازم را نداشته باشند، در مسائل آموزشی و درسی با مشکل مواجه شده و موجبات افت تحصیلی آنان فراهم می گردد.

۲- کمک و دخالت مستقیم والدین: در انجام تکالیف درسی، گاهی والدین به جای اینکه نقش راهنمای و هدایت کننده را داشته باشند؛ شخصاً تکالیف دانش آموز را انجام می دهند این مسأله معمولاً در خانواده هایی رخ می دهد که دانش آموز در انجام تکالیف درسی کوتاهی می کند و یا آنها را اصلاً انجام نمی دهد یا بصورت ناقص انجام می دهد .

۳- فقر اقتصادی والدین: تحقیقات ثابت کرده است بین فقر اقتصادی و افت تحصیلی رابطه مستقیم وجود دارد. خانواده های فقیر و بی بضاعت در تأمین وسایل اولیه تحصیل فرزندانشان کیف و کفش و... با مشکل مواجه می شوند. در بسیاری مواقع، خانواده ها به دلیل فقر مالی مجبور می شوند از کودکان خود بخواهند در تأمین زندگی با آنها همکاری داشته باشند، چنین کودکانی بعد از تعطیل شدن مدارس پا به پای والدین به کارهای مختلف مثل واکسی- سیگار فروشی و... می پردازند و فرصتی برای تحصیل ندارند.

۴- اعتیاد والدین: تحقیقات، اعتیاد والدین را به عنوان یکی از عوامل افت تحصیلی معرفی کرده است. اگر والدین یا یکی از آنها دچار مشکل اعتیاد باشند، نه تنها نمی توانند کودکانشان را در امور تحصیل هدایت و راهنمایی کنند، بلکه خود کودک به خاطر اعتیاد والدین (یا یکی از آنها) دچار سرخوردگی و حقارت می شود و موجبات افت تحصیلی فراهم می شود.

۵- فوت والدین: وقتی دانش آموزی والدین، یا یکی از آنها را از دست می دهد، به آسانی و به راحتی نمی تواند با این موضوع کنار بیاید و این مسأله فوت وابستگان تمام مسائل کودک از جمله امور تحصیل او را فراهم می کند.

۶- اختلافات موجود در خانواده: خانواده مهمترین مکان برای تأمین امنیت و آسایش کودک است، ولی کشمکش و نزاع در خانواده، تعادل روحی و روانی و فکری کودک را بهم می زند و آرامش را از دانش آموز که لازمه یادگیری می باشد، سلب می کند. در چنین خانواده ای کودکان ثبات عاطفی و روانی نخواهند داشت و با مشکل مواجه می شوند. در هنگام تحصیل حواسشان به درس و امور درسی نیست چون مشکلات خانوادگی آنها را مشغول کرده است و موجبات افت تحصیلی آنها فراهم می شود.

۷- فرزندان طلاق: کودکانی که جدا از خانواده خود یا با یکی از آنها زندگی می کنند احساس پوچی و یأس می کنند. از آنجا که والدین از هم جدا شده اند کودک با هر یک از والدین باشد مورد محبت اولیه خانواده قرار نمی گیرد، خصوصاً اگر والدین جوان باشند. چون والدین حق دارند که دوباره ازدواج نمایند و راه خوشبختی خود را دوباره پیدا کنند اما با وجود کودک خصوصاً مادران برای ازدواج مجدد با مشکل مواجه می شوند و احتمالاً اگرهم کودک را بپذیرند محبت اولیه را نسبت به او نخواهند داشت و به همین سبب کودک احساس پوچی می کند و در امور تحصیلی با مشکل مواجه شده زمینه افت تحصیل او فراهم می شود.

۸- تعصب بی مورد نسبت به جنسیت: از دیرباز نسبت به جنس مؤنث تعصب بی مورد وجود داشته است و این فرهنگ غلط هنوز هم در کشور ما وجود دارد. خانواده ها معتقدند که دختر نهایتاً باید ازدواج نماید و به کار خانه داری مشغول شود و این وظیفه مرد است که مخارج منزل را تأمین کند. همین طرز فکر سبب می شود که دختران نسبت به امر تحصیل بی تفاوت باشند. هرچند که الحمدا... بعد از انقلاب اسلامی این تعصب کم رنگ شده است.

۹- ازدواج زود هنگام دانش آموز: در بعضی از مناطق کشور، معمولاً افراد، زود ازدواج می کنند و گاهی دانش آموز زبده و مستعد دختر و پسر قبل از پایان رساندن تحصیلات متوسطه به امر ازدواج تن می دهد. البته ازدواج، آنگاه به عنوان مشکلی در امر تحصیل چهره می نماید که بدانیم معمولاً دختران، بعد از ازدواج، نظام آموزشی را ترک می کنند و اگر هم به نظام آموزشی برگردند، رغبت اولیه را نسبت به تحصیل ندارند.

۱۰- تحمیل رشته تحصیلی به دانش آموز: بیشتر والدین دوست دارند فرزندشان، آینده درخشانی داشته باشد و این آینده درخشان را در رشته های تحصیلی خاصی به خصوص علوم تجربی و علوم ریاضی می بینند و به همین دلیل بدون توجه به علاقه و استعداد کودکشان، تمایل دارند، فرزندشان در همان رشته های مخصوص به تحصیل بپردازد در چنین مواقع از آنجا که فرد در رشته مورد علاقه خود به تحصیل نمی پردازد، نسبت به امر تحصیل و آموزش بی رغبت شده و موجبات افت او فراهم می شود.

۱۲- وجود مشاغل کاذب، وجود منطقه آزاد تجاری برای هر کشور یا منطقه ای می تواند فواید بسیاری را در پی داشته باشد. ولی همین مسأله سبب بسیاری از مسایل از جمله ایجاد مشاغل کاذب می شود. بسیاری از افراد برای خرید به منطقه آزاد تجاری چابهار سفر می کنند و از آن جا که خودشان به تنهایی نمی توانند هر نوع وسایل و به هر مقدار را از منطقه آزاد تجاری خارج کنند، از کودکان منطقه در ازای مقداری پول کمک می گیرند و همین امر سبب روی آوردن کودکان به مشاغل کاذب به اصطلاح امروزی چتربازی می شود و موجبات افت تحصیلی آنان را فراهم می سازد.

۱۳- عدم ارتباط والدین با مسئولان مدارس: در ذهن بسیاری از والدین این تصور غلط وجود دارد هنگامی مسئولان مدارس از آن ها دعوت می کنند تا در انجمن اولیاء و مربیان شرکت نمایند، هدفشان گرفتن پول می باشد. در صورتی که آگاه نیستند، هدف اصلی از این انجمن ها توجه کردن به مسایل آموزشی است. در صورتی که اولیاء با مربیان به طور مداوم در تماس باشند، مشکلات آموزشی دانش آموزان به حداقل خود می رسد.

د - عوامل مربوط به دانش آموزان

۱- دوزبانگی کودک: از آنجا که بیشتر دانش آموزان بعضی از مناطق، به زبان مادری تکلم می نمایند که با زبان رسمی کشور هم در نگارش و هم در گویش، تفاوت هایی دارد دانش آموزان در هنگام آموزش و تحصیل با مشکل فهمیدن مطالب مواجه می شوند و موجبات افت آنان فراهم می گردد. این مسأله مشکل دوزبانگی بیشتر در مقطع ابتدایی رخ می دهد و در مقاطع راهنمایی و متوسطه تأثیر این عامل در افت تحصیلی کمتر می باشد. از طریق فرستادن کودکان به مهد کودکها تا حدود زیادی می توان این تأثیر را کاهش داد.

۲- مبهم بودن آینده شغلی دانش آموزان: با توجه به وضعیت اشتغال در کشور و بیکاری فارغ التحصیلان بسیاری از دانش آموزان، آینده مبهمی را برای خود تصور میکنند و این فکر گاهی بر آنان حاکم می شود که الان فارغ التحصیلان دانشگاهی بیکار هستند وای به حال ما. همین طرز فکر نوعی ناامیدی در آنان به وجود می آورد و سبب می شود دانش آموزان دست از تلاش و کوشش بردارند و به مسأله تحصیل بی تفاوت باشد.

۳- وجود تفاوت های فردی: تحقیقات ثابت کرده است دوقلوهای همسان هم از نظر عقلانی و خصوصیات دیگر با همدیگر تفاوت دارند در نتیجه دانش آموزانی که از گروههای مختلف و خانواده های متفاوت فردی بسیار می باشند و لازم است مشاوران و مربیان در برنامه های آموزشی خود تفاوت های فردی را در نظر بگیرند. دانش آموزان از نظر علائق، توانایی ها، استعداد ها، نیازهای آموزشی، سطح خانوادگی، موقعیت اجتماعی و... با هم تفاوت دارند و لازم است که این تفاوت ها در نظر گرفته شوند.

۴- تغذیه دانش آموزان: بسیاری از والدین به امر تغذیه دانش آموزان خصوصاً در زمانی که در مدرسه مشغول به تحصیل هستند توجه نمی کنند. چه بسا بسیاری از دانش آموزان بدون خوردن غذا، صبحانه یا ناهار به مدرسه می آیند و اگر نیاز اولیه انسان یعنی همان نیاز فیزیولوژیکی بر طرف نشود، دیگر نیازها هم برآورده نمی شود. دانش آموزانی که با شکم گرسنه به امر تحصیل می پردازند

چگونه می توانند ذهن خود را به امر تحصیل حدود ۵ یا ۶ ساعت در روز متمرکز نمایند. هر چند که آموزش و پرورش به دانش آموزان بعضی مدارس در طی روز تغذیه می دهد، ولی تا زمانی که این مشکل به طور کلی برطرف نشود نمی توان مشکل افت تحصیل را کاهش داد.

۱- علاقه بند، مقدمات مدیریت آموزشی، تهران بعثت، ۱۳۷۳. مبانی روانشناختی افت تحصیلی:

- شرایط اجتماعی و اقتصادی: کودکانی که والدین آنها از قدرت اقتصادی- اجتماعی پایین تری برخوردارند و خانواده های آنها با محرومیت های اقتصادی مواجه می باشند، افت تحصیلی بیشتری دارند. همچنین در هر جامعه ای که دیکتاتوری، وحشت و ناامنی حاکم باشد، کودکان دچار افت تحصیلی می شوند.

- شرایط آموزشی و امکانات مطلوب تحصیلی: در صورتی که از حواس مختلف انسان برای یادگیری استفاده شود، مسلماً یادگیری راحت تر و عمیق تر صورت می گیرد و شرایط و امکانات آموزشی به تحقق این امر کمک شایانی می کند. عدم امکانات مطلوب تحصیلی و شرایط آموزشی معمولاً عواملی هستند که در ایجاد افت تحصیلی دخیل می باشند. امکاناتی از قبیل مدرسه، کلاس، کتاب های درسی مناسب و بهره مندی از معلمان باسواد و کارآمد، همه از عواملی اند که از پیدایش افت تحصیلی پیشگیری می کنند.

- شرایط فیزیولوژیکی یادگیرنده: معمولاً شرایط فیزیولوژیکی دانش آموزان در مدارس ما مورد غفلت قرار می گیرند، بعضی ها دچار ضعف شنوایی هستند حدود ۲ درصد سخت شنوا هستند. بعضی ضعف بینایی دارند. مسئله دیگر گرسنگی

کودکان است. تحقیقات نشان داده است دانش‌آموزانی که از تغذیه مناسب برخوردارند، کمتر دچار افت تحصیلی می‌شوند.

- شرایط روانی - حرکتی: مانند دانش‌آموزانی که مبتلا به صرع می‌باشند حدود ۲ درصد دانش‌آموزان مدارس ما صرع دارند. یا دانش‌آموزانی که دچار لکنت زبان هستند، از آنجا که نمی‌توانند افکار خود را بازگو کنند، دائماً در فشار روانی، اضطراب و تنش به سر می‌برند. گروه دیگر دانش‌آموزانی هستند که به فلج مغزی دچار هستند. این قبیل کودکان لزوماً عقب مانده نیستند بلکه برخی از آنها تیزهوش نیز هستند و افت تحصیلی آنها به این دلیل است که فاقد حرکت هستند.

- سازش‌نیافتگی رفتاری: کودکانی که به ناسازگاری عاطفی مبتلا هستند، از نظر رفتاری با محیط سازش ندارند و از یک تعامل بین فردی به نحو مطلوب برخوردار نیستند. ۹۹ درصد از این کودکان در مدارس چون سازگاری با خود و محیط ندارند، افت تحصیلی بیشتری دارند. به طور کلی رفتارهایی از قبیل بیش‌فعالی، بی‌توجهی، کمرویی، در خود فروماندگی و پرخاشگری همه تحت عنوان سازش‌نیافتگی رفتاری خوانده می‌شوند و در ایجاد افت تحصیلی موثرند.

- شرایط عاطفی و روانی: شاید بتوان گفت این مورد در کشور ما عامل اصلی افت تحصیلی می‌باشد. همواره سخن بر سر این است که میان ظرفیت بالقوه کودکان و آنچه انجام می‌دهند، فاصله‌ای وجود دارد. امروزه روانشناسان معتقدند نباید صرفاً به دنبال سنجش هوش کودکان بود بلکه باید ظرفیت یادگیری آنها را به دست آورد، زیرا همواره ظرفیت یادگیری بچه‌ها بسیار بیشتر از آن است که می‌آموزند.

جزئیات افت تحصیلی را می‌توان چنین برشمرد:

علل فردی: ۱) هوش ۲) توجه؛ ۳) انگیزه ۴) آشفستگی‌های عاطفی و هیجانی؛ ۵) یک یا چند نارسایی جسمی به سبب ضعف بنیه دانش‌آموز. ضعف در بینایی و شنوایی، ناراحتی در مراکز عصبی و ناهماهنگی‌های حس و حرکتی، مشکلات ارتباطی. علل خانوادگی: روابط و نظام ارزشی در خانواده؛ فقر مالی خانواده؛ فقر فرهنگی، بیسوادی یا کم‌سوادی والدین؛ فقدان والد یا والدین؛ مشاجره و ناسازگاری والدین، نحوه ارتباط دانش‌آموزان با خواهر و برادران و مقایسه دائمی او با برادران و خواهرانش و سایر شاگردان در خانواده‌های آشنایان در منزل.

علل مدرسه‌ای:

شیوه تدریس معلم، برنامه درسی مدرسه، ارزش‌ها و پیش‌داوری‌های معلم، شرایط فیزیکی کلاس؛ تعویض مکرر معلمان در طول سال تحصیلی؛ ناسازگاری دانش‌آموز با روش تدریس و خصوصیات معلم، روش نادرست ارزیابی معلم از عملکرد دانش‌آموزان؛ شیوه نادرست معلم در کنترل و هدایت کلاس؛ فقدان وسایل کمک آموزشی، کمبود کتاب درسی، عدم همکاری و ارتباط بین اولیاء و مدرسه.

کارشناسانی معتقدند این فهرست را می‌توان طولانی‌تر کرد: ایجاد اختلاف طبقاتی خصوصاً بین مدارس برخوردار و نیمه برخوردار و محروم، نداشتن انگیزه کافی برای درس خواندن، نبود برنامه ریزی مناسب و نگرانی نوجوان از آینده،

پائین بودن سطح معلومات اولیا خصوصاً در مناطق محروم، عدم ارتقای سطح علمی معلمان در مراکز تربیت معلم، عدم تخصیص بودجه کافی به امر آموزش و ناکافی بودن بودجه دولتی، تغییرات فوری و ناگهانی دو سیستم آموزش و پرورش درخصوص مدیریت ها و برنامه ریزی های آموزشی عدم تأمین نیروی متخصص خصوصاً در پایه های آخر دبیرستان در استان های محروم و دورافتاده، عدم مطالعه کافی معلمان در طول دوران تدریس و در نتیجه دور بودن از اطلاعات و دستاوردهای علمی روز، تغییرات شدید و نبود آموزش کافی درخصوص نحوه اجرای خصوصاً آئین نامه امتحانات؛ عدم نشاط کافی در دانش آموزان در نتیجه یکنواختی و جذاب نبودن کتابهای درسی. در تصورات رایج والدین، دانش آموز را مقصر می دانند و کسانی نیز مدرسه و معلم را، اما خانواده نیز ممکن است به همان اندازه در افت تحصیلی نقش داشته باشد که کم کاری معلم و نامساعد بودن محیط مدرسه و تأثیر همسالان.

دو جنبه درسی، علل مردود شدن دانش آموزان را می توان این گونه طبقه بندی کرد با پایه درسی ضعیف به کلاس بالاتر بروند بدون آن که مهارت های لازم را کسب کنند. از هوش کافی بهره مند نباشند یا دیر یاد بگیرند و در نتیجه بی توجهی مربیان مدرسه به تفاوت های فردی، نتوانند پایه پای مدرسان پیشرفت کنند.

- کوری ذهن، یعنی دانش آموز در اثر تجربه ای تلخ در خانه، مدرسه یا اجتماع نسبت به ماده ای درسی بی علاقه شده باشد، یا در نتیجه تنبیه با ترس مفرط، اعتماد به نفس خود را از دست داده باشد.

- گاه دانش آموز قدرت جسمانی لازم را ندارد و دچار عوارضی است که باید به آن ها توجه شود. گرفتاری های خانوادگی نیز در کاهش تمرکز دانش آموز مؤثر است. تداوم این احساس در دانش آموز که ارزشیابی پایه و اساس درستی ندارد و در محیط مدرسه و کلاس تبعیض هست، سبب دلسردی، یأس و افسردگی او در مدرسه شود و احساس کند فردی است شکست خورده که کسی دوستش ندارد. ترکیبی از این عوامل ممکن است سبب شود دانش آموز از همکلاسانش عقب بماند، سطح نمراتش پائین بیاید و نهایتاً مردود شود. ابزار کمک آموزشی حتماً دستگاه های گرانقیمت الکترونیک نیست. تغییر بسیاری از جنبه های مؤثر در افت تحصیلی به کار و وقت بسیار نیاز دارد. بااین همه، یکی از راههای ایجاد انگیزه در دانش آموزان و پیشگیری از افت تحصیلی، استفاده از ابزاری است که کمک کند از تکیه بر حفظ کردن کتاب درسی کاسته شود، اما نباید پنداشت که چنین ابزاری لزوماً دستگاههایی است الکترونیک و گرانقیمت و در فیلم و نوار و اسلاید خلاصه می شود. هر وسیله ای که به معلم کمک کند کمتر متکی به سخنرانی و کتاب درسی باشد و در دانش آموزان انگیزه و خلاقیت ایجاد کند می تواند در حکم شیوه ای مؤثر باشد. توران میر هادی از تجربه های خود درمدرسه فرهاد می گوید: "در تهیه وسایل آزمایشگاهی از طریق خودباوری پیش رفتیم. کار از یک گنجی کوچک در راهرو مدرسه شروع شد و رفته رفته گسترش یافت تا جایی که آزمایشگاه و موزه مدرسه یک مرکز آموزش فعال برای همه دانش آموزان باشد. هر کس به سفر می رفت بهترین ارمغانی که می توانست برای مدرسه می آورد: نمونه های مواد مختلف، تصاویر، نشریات، نقشه ها، گیاهان خشک شده، گوش ماهی و چیزهای دیگر."

میرهادی معتقد است وسایل و تجهیزات باید از محیط و نیازهای خود دانش آموزان تهیه شود و از طریق خودیاری بسیاری از مشکلات را می توان در مدرسه حل کرد.

راه های کاهش آفت تحصیلی

آفت تحصیلی موضوعی غیر قابل حل نیست، اما حل آن هم یکباره و ناگهانی و با شیوه های آنی میسر نیست. برای مقابله با این پدیده، به برنامه ریزی های درازمدت و زیربنایی احتیاج است. برنامه هایی که بر اساس واقعیت های اجتماعی باشند و ضمانت اجرایی به عنوان یکی از اصول برنامه ریزی آموزشی را داشته باشند.

الف: برنامه های درازمدت یا بنیادی: این برنامه ها تدابیر زیربنایی است که یک سیاست کلی را در نظام آموزشی می طلبد. برخی از جزئیات این روش ها عبارتند از:

۱- تجدید نظر در نظام ارزشیابی.

۲- کاهش تعداد دانش آموزان هر کلاس.

۳- ارزیابی هوشی دانش آموزان قبل از دبستان.

۴- فراهم کردن امکانات آموزش و پرورش.

ب: برنامه های کوتاه مدت: جزئیات این برنامه ها به شرح زیر است:

۱- تهیه به موقع کتاب های درسی و فراهم آوردن وسایل کمک آموزشی.

۲- همکاری نزدیک اولیاء مدرسه و والدین.

۳- ارزیابی عملکرد معلمان و تشویق معلمان کارآمد.

۴- تقویت انگیزه های درونی دانش آموزان. همچنین تغییر در نگرش های آموزشی معلمان، تغییر در سبک های مدیریت مدارس، نوآوری در روش های تدریس، اصلاح فرآیند یاددهی- یادگیری و توجه به مشارکت مردمی می تواند در کاهش مسائل آموزش و پرورش به ویژه آفت تحصیلی مثر ثمر باشد.

بهره گیری از مطالعات تطبیقی یعنی استفاده از تجربیات سایر کشورها در این زمینه میتواند مؤثر باشد. به عنوان مثال در هند راه های زیر را به کار برده اند:

۱- روش های مؤثر تدریس عرضه گردید.

۲- بازآموزی معلمان آغاز شد.

۳- بین والدین و معلمان رابطه نزدیک تر ایجاد شد. در کشور پاکستان بیشتر روی بازآموزی ها تاکید شده و بازآموزی معلمان را سرلوحه کار خود قرار داده اند و معتقدند که این کار باید شامل آموزش مهارت های تدریس، بازنگری محتوای دروس و آموزش مهارت هایی باشد که انگیزه دانش آموزان را به درس و تحصیل بیشتر کند. همچنین برای کاهش آفت تحصیلی علاوه بر راه های درون سازمانی به راه های برون سازمانی نیز نیاز است.

مثلاً کاهش علائق افراد به تحصیلات به ویژه در پسران، به خاطر نبود بازار کار مناسب و شایسته برای دانش‌آموختگان است که این مهم عامل جدی در کاهش انگیزش تحصیلی در آنها می‌شود، به طوری که نابرابری‌های آموزشی در شهر و روستا و نیز نابرابری‌های جنسیتی (دختران در مقابل پسران) در تحصیلات عالیه که در یک دهه اخیر بر عکس چند دهه قبل در نظام آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی کشور ما رخ داده است، به دلیل عدم تطابق نیازهای بازار کار به تخصص فارغ‌التحصیلان مدارس و دانش‌آموختگان دانشگاه‌هاست.

افت تحصیلی در عصر دانایی

بدون شک، این برداشت که افت تحصیلی به معنای ناتوانی دانش‌آموز در یادگیری مواد و محتوای درسی است، نادرست و غیر منطقی است. ناتوانی ممکن است از توانایی‌های افت تحصیلی به معنای تنزل از یک سطح بالاتر به مرتبه‌ی پایین‌تر در تحصیل و آموزش و یا کاهش عملکرد تحصیلی دانش‌آموز از سطحی رضایت‌بخش به سطحی نامطلوب است.

باتوجه به این تعریف مقایسه و سنجش سطح عملکرد بر اساس نمرات تحصیلی قبلی و فعلی بهترین شاخص افت تحصیلی است. ولی آیا واقعاً این چنین است. آیا امتحان می‌تواند توانایی‌ها و ناتوانی‌های فرزندانمان را به آموزش بکشد؟ عصر دانایی، عصر آموزش، فراگیری و یادگیری مستمر و مادام‌العمر را به امری حیاتی در سرنوشت افراد، خانواده‌ها، گروه‌ها، کشورها و حتی نوع بشر تبدیل نموده است و از سوی دیگر عوارض ناشی از بی‌قیدی‌های تربیتی و حذف ارزش‌های معنوی و پیامد‌های مرگبار روحی و روانی و مادی و معیشتی را ارمغان دوران ساخته است. اگر در فرآیند یادگیری و آموزش و فراگیری به تجربه در هر یک از سطوح و مراحل گردآوری اطلاعات، طبقه‌بندی آن‌ها، تجزیه و تحلیل و در نهایت قضاوت، ارزیابی و تعمیم یافته‌ها و نیل به تحصیل نظری و عملی مورد توجه قرار گیرد، آموزش‌ها مفید و کارآمد خواهد بود. به طوری که درس‌آموختگان یافتگی و تقسیم‌بندی اوقات عمر انسانی نیز ثلثی به «فراگیری» و ثلثی به «فرادهی» و قسمتی به «فراخوری» انتظام و اختصاص یافته است و به همین سان به سامانه تخصیص اعتبار و هزینه و بازدهی جوامع و کشورها نیز بخشی به تولید علم و دانش، ثلثی به توجه به حوایج و دستیابی به نعمات مادی و قسمتی از فرصت‌ها به انباشت سرمایه‌گذاری اختصاص می‌یابد. افت تحصیلی که به غلط یکی از شاخص‌ها و مؤلفه‌های توسعه نیافتگی و عدم توسعه سازمان‌های آموزش و پرورش در جهان تبدیل شده و نظام‌های آموزشی دانسته یا ندانسته آنرا با انواع نمایشاتی از آمار و ارقام و نمودارها بیان می‌کنند، به خودی خود از مرجعیت و اعتبار کافی برخوردار نیست. لازم است در دیدگاه و ارزش‌های خود درباره شیوه و ارزشیابی و سنجش آموخته‌ها تجدیدنظر کرده و طرحی نو دراندازیم. چون حقیقت این است که هر فراگیربرسته مجموعه‌ای از شرایط داخلی و خارجی آموزش می‌بیند و می‌آموزد که برخی از آنها را می‌توان به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد: نظیر علل آموزشی: مثل تراکم برنامه‌های درسی، فقدان برنامه ریزی تحصیلی مناسب، عدم انطباق اهداف و محتواهای آموزشی. دلایل فردی نظیر هوش، میل و انگیزه تحصیلی، آشفتگی‌های عاطفی و هیجانی، بلوغ، نارسایی‌های جسمی، فراموشی مقطعی و ادواری.

علل خانوادگی نظیر روابط ونظام ارزشی حاکم بر خانواده، اشتغال کودکان، فقدان والد یاوالدین، میزان سود و تحصیلات والدین، بی توجهی خانواده نسبت به نیازهای کودکان؛ بنابراین دانش آموز همانی را می آموزد که می تواند بیاموزد و باتوانایی و امکان آنرا دارد.

حقیقت این است که دیگر حتی لغت و مفهوم امتحان برخاسته از ریشه محسن و رنج برای طراحی فرآیند یادگیری و برنامه ریزی درسی کاربرد چندانی ندارد وبه همین دلیل صاحب نظران علوم یادگیری و تعلیم وتربیت مفهوم و لغت ارزیابی و ارزیابی تکوینی و پروسه ای را به جای آن در منظومه فراگیری تعبیه نموده اند که به موجب آن ارزشیابی بخشی ضروری و مفرح و برخاسته از جوهر یادگیری و در منظومه یادگیری است که شادابی و نشاط را به ارمغان می آورد و بار دیگر منطق یادگیری و آموزشی را به جای ایستادن برسر به قاعده آن می ایستادند. باشد تا آن روز که افت تحصیلی دیگر به ناتوانی فرزندانمان تعبیر نشود .

علل افت تحصیلی دانش آموزان در آموزش مجازی

در سال های اخیر از آموزش مجازی به عنوان یکی از علل افت تحصیلی نام برده شده است. آموزش مجازی هنگامی معنا می یابد که نیازی به حضور فیزیکی در کلاس درس نباشد. در این شیوه ی آموزش، از وسایل و ابزارهای الکترونیکی و فناوری های به روز برای آموزش استفاده می شود.

ظهور اتصالات اینترنتی سریع و مقرون به صرفه و رایانه های شخصی به فضای مجازی اجازه داده است که در خانه ها، مدارس و محل کار نیز در دسترس باشد. نتایج پژوهش های جهانی نشان می دهد که جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله بیشترین کاربران اینترنت هستند بنابراین بررسی علل افت تحصیلی در فضای مجازی ضروری به نظر می رسد.

در حالی که رفتن به مدرسه یکی از مهم ترین ابزارهای سیاست عمومی برای بالا بردن مهارت ها در جامعه محسوب می شود، برخی وقایع مانند گسترش ویروس کرونا در طی سال های گذشته، موجب روی آوردن به پلتفرم های مجازی، به عنوان جایگزین مدرسه شده است.

اگرچه وجود شرایط مناسب برای آموزش مجازی طی سال های گذشته، میلیون ها کودک و نوجوان را از ترک تحصیل نجات داده است، اما باید در نظر گرفت که این عرصه به شدت ناپاست و نقایص خود را دارد. در برخی شیوه های آموزش مجازی، حمایت عاطفی و تحصیلی نادیده گرفته می شود و پشتیبانی لازم برای ایجاد گروه های درسی منسجم و ارتباطات تاثیرگذار و رو در روی معلم با دانش آموزان صورت نمی گیرد. همه ی این موارد از علل افت تحصیلی دانش آموزان در آموزش مجازی به حساب می آیند.

فقدان ارتباط چهره به چهره ی معلم و دانش آموز، عدم توانایی برخی والدین برای هدایت تحصیلی فرزندان و رفع اشکالات درسی آن ها، مشغله ی فراوان برخی والدین، بی توجهی دانش آموزان به آموزش ها، سرگرم شدن دانش آموزان در دنیای مجازی و کاهش ساعات درسی در بستر فضای مجازی، اهمال کاری در انجام تکالیف و عدم تلاش برای رفع اشکالات درسی را می توان به عنوان دیگر علل افت تحصیلی دانش آموزان در آموزش مجازی ذکر کرد.

بخشی از این افت تحصیلی به ضعف مهارت‌های فردی بر می‌گردد چون دانش‌آموزان عادت کرده‌اند که تحت فشار سیستم آموزشی برنامه‌ریزی کنند و فاقد خودکنترلی هستند. یکی دیگر از مشکلات آموزش مجازی این است که برخی معلم‌ها از همان شیوه‌های سنتی در کلاس درس استفاده می‌کنند. در حالی که نوع آموزش در فضای مجازی با آموزش در کلاس درس متفاوت است.

به نظر می‌رسد ارتقای سطح دانش معلم‌ها در زمینه‌ی آموزش مجازی در کنار بهره‌گیری از سامانه‌های مدیریت آموزشی پیشرفته، می‌تواند استفاده از آموزش آنلاین را به ابزاری قدرتمند در کنار مدارس و همگام با آن‌ها مبدل کند.

با توجه به اینکه از شیوع بیماری کرونا در جهان چندسال می‌گذرد، **علل افت تحصیلی در دوران کرونا** مورد بحث قرار گرفته است. شیوع باورنکردنی ویروس کرونا، جهان را به ویژه در بخش آموزش با مشکلات و چالش‌های بسیاری مواجه کرد چراکه برای جلوگیری از مرگ و میر، نظام تعلیم و تربیت وارد فاز مجازی شد.

تدریس به صورت آنلاین آسیب‌هایی با خود همراه داشته است چراکه بهره‌گیری از آن بدون وجود پیش زمینه و ناگهانی رخ داد. عرصه‌ی آموزش مجازی سرشار از آزمون و خطا است و برخی از اشکالات آن می‌توانند پیامدهای بلند مدتی به خصوص برای گروه‌های آسیب دیده داشته باشند و نابرابری را افزایش دهند.

افزایش مشکلات معیشتی و عدم ارائه‌ی تسهیلات برای دریافت وسایل الکترونیکی مورد نیاز برای آموزش مجازی، مشکلات روحی ناشی از فقدان عزیزان از دست رفته بر اثر ابتلا به بیماری و عدم آمادگی والدین برای هدایت تحصیلی فرزندان، از دلایل افت تحصیلی دانش‌آموزان در دوران همه‌گیری بیماری کرونا است.

علل افت تحصیلی در فضای مجازی

برای بررسی **علل افت تحصیلی دانش‌آموزان در فضای مجازی** باید دانست در دنیای امروز، شبکه‌های اجتماعی نقش بسیار مهمی در روابط مردم در سرتاسر جهان ایفا می‌کنند و به جزئی جدایی ناپذیر از زندگی مردم تبدیل شده‌اند.

اما پرسه زدن بیش از حد و بی‌رویه‌ی دانش‌آموزان در شبکه‌های اجتماعی موجب بروز نگرانی‌های جدی در عرصه‌ی آموزش شده است.

استفاده از امکانات اجتماعی فضای مجازی اگرچه در دوران شیوع ویروس کرونا به کمک نوجوانان آمده است تا فضایی برای تعاملات اجتماعی خود داشته باشند، اما در عین حال به دلیل نوپا بودن این عرصه، عدم فرهنگ سازی مناسب و کسب آموزش، مشکلاتی نیز به بار آورده است.

نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که به ازای هر یک ساعت حضور در فضای مجازی، مغز نزدیک به ۲۰ دقیقه قادر به دریافت اطلاعات دیگر در بخش نئوکورتکس خود نیست. این بخش از مغز لایه‌ای موثر در عملکرد حواس، تولید دستورهای حرکتی، تصمیم‌گیری مکانی، خودآگاهی و زبان است و این مورد یکی از **علل افت تحصیلی در فضای مجازی** است.

جایگزین شدن یادگیری دیداری و موقت به جای مهارت آموزی شنیداری، چالش دیگری است که به واسطه‌ی حضور مداوم نوجوانان در فضای مجازی، موجب افت تحصیلی شده است.

افسردگی ناشی از آسیب های اجتماعی در فضای مجازی، عدم تعامل رو در رو و نبود فعالیت بدنی موثر نیز از دیگر آفت های فضای مجازی هستند که ممکن است در افت تحصیلی نیز نقش داشته باشند.

هر دانش آموزی نمی تواند امتیاز خوبی در تحصیلات کسب کند و ممکن است دلایل زیادی به عنوان **علل افت تحصیلی نوجوانان** مطرح باشند. این عوامل که می توانند به شکست دانش آموزان در دوران تحصیل منجر شوند، برخی درونی و برخی بیرونی هستند.

در پژوهش های انجام شده برای یافتن عوامل موثر بر افت تحصیلی دانش آموزان، دلایل زیر بیشتر ذکر شده اند:

الف) عوامل داخلی افت تحصیلی (عوامل سازمانی)

- متناسب نبودن روش ها و امکانات آموزشی مدرسه با محتوای کتاب های درسی
 - عدم صلاحیت علمی یا شخصیتی معلم ها
 - مناسب نبودن روش های ارزشیابی و سنجش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان
- علت افت تحصیلی نوجوانان

ب) عوامل خارجی

- عوامل مربوط به دانش آموزان شامل دلایل فیزیولوژیکی، عصبی و شناختی
- فقر و محرومیت اقتصادی
- شرایط و عوامل فرهنگی و اجتماعی
- شرایط اجتماعی خانواده و رفتار والدین
- تحصیلات والدین
- محدودیت محلی و جغرافیایی و توزیع نامناسب امکانات

بررسی علل افت تحصیلی دانش آموزان

برای **بررسی علل افت تحصیلی دانش آموزان** در ابتدای امر باید به عوامل درون مدرسه اهمیت داد که می توانند بر سطح آموزش پذیری دانش آموزان اثرگذار باشند. این عوامل شامل مواردی مانند شیوه ی آموزش، ویژگی های شخصیتی و علمی معلم، روش ارزیابی، تاکید بر آموزش نوشتاری به دانش آموزان و امکانات کتابخانه ای مدرسه برای ارایه ی منابع درسی می شود.

در مدرسه تلاش جمعی دانش آموز، معلم و مدیر مدرسه برای تحقق استانداردهای مطلوب در دستیابی به آموزش باکیفیت لازم است. مدرسه باید امکانات خاص و وضعیت بهینه را برای تسهیل تلاش های همه افراد دخیل، فراهم سازد.

نقش معلم در افت تحصیلی

بررسی نقش معلم در افت تحصیلی دانش آموزان می تواند بسیار چاره ساز باشد. دانش آموزان از معلم انتظار دارند که تمام تلاش خود را برای گسترش دانش آنها به کار بگیرد.

اما کیفیت آموزش یک معلم به عوامل متعددی بستگی دارد. روش تدریس، تعداد دانش آموزان در هر کلاس، کاغذبازی های اداری و کمبود قابل توجه نیروهای کادر مدرسه در کنار عوامل شخصی مانند میزان خلاقیت، صبر و الهام بخش بودن یک معلم در کیفیت عملکرد او اثر دارد.

گاهی تنها به کارگیری نیروهای بیشتر در مدرسه و ایجاد فرصت هایی برای آرایه ی آموزش حرفه ای به معلمان، می تواند عملکرد آنها را به نحو چشمگیری بهبود ببخشد.

مدت زمانی که برای تدریس در اختیار معلمین قرار داده می شود، کیفیت آموزش را متاثر می کند. گاهی زمان مقرر شده برای آرایه ی یک موضوع کافی نیست و معلم مجبور است از شیوه های دیگری همچون افزایش تکلیف کمک بگیرد که خود این موضوع منجر به بروز مشکلات دیگری برای دانش آموزان می شود.

در کنار همه ی اینها، ضعف موجود در برخی روش های مورد استفاده برای ارزیابی دانش آموزان نیز ممکن است در افت تحصیلی آنها اثرگذار باشد.

نقش عوامل فردی دانش آموز در افت تحصیلی

نقش عوامل فردی دانش آموز در افت تحصیلی به ویژگی های شخصیتی و روانی دانش آموزان مربوط می شود. دانش آموز موفق باید دارای هدف باشد و برای رشد خود، الهام بگیرد و الگو داشته باشد. چنین دانش آموزی توان مدیریت زمان و خود کنترلی دارد تا در کلاس درس و هنگام مطالعه با نظم پیش برود.

وضعیت سلامت روان و سلامت جسمی دانش آموز نیز قطعاً در میزان یادگیری و سطح اعتماد به نفس او اثر دارد و اختلال در آن می تواند مستقیماً در افت تحصیلی اثرگذار باشد.

تنها رفتن به کلاس درس یا ماندن در کتابخانه از صبح تا غروب به این معنا نیست که دانش آموز در حال آموختن و مطالعه است. دانش آموز در حین آمادگی برای امتحان، باید ذهن خود را با تمرکز درگیر مطالعه کند تا به نتیجه برسد. مطالعه متمرکز و دقیق در گرو داشتن انگیزه است؛ بنابراین علاقه به رشته تحصیلی برای جلوگیری از افت تحصیلی مهم است. فقدان برنامه منظم درسی و مشاوره تحصیلی نیز از عوامل دیگری است که دانش آموز را از موفقیت باز می دارد.

نقش والدین در افت تحصیلی

پژوهش ها درباره ی نقش والدین در افت تحصیلی نشان می دهد که سطح تحصیلات والدین، رفتار پدر و مادر، وضعیت اجتماعی خانواده و حتی چشم انداز کسب و کار آنها به عنوان عوامل بیرونی می توانند به افت تحصیلی دانش آموزان دامن بزنند.

کودکان خانواده هایی با وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین، معمولاً در خانه خود به محیط مناسبی برای مطالعه دسترسی ندارند و همین موضوع بر پیشرفت تحصیلی آنها تاثیر منفی می گذارد.

استانداردهای تربیتی والدین و عملکرد آنها در این زمینه نیز بر نتایج تحصیلی فرزندان اثرگذار است. معمولاً والدین دارای تحصیلات عالی، محیط مساعدتری را برای تحصیل فرزندان خود فراهم می کنند که به آنها انگیزه لازم را برای پیشرفت در تحصیلات عالی می دهد.

اگرچه وقتی پای مسایل روانی و رفتار پدر و مادر با فرزندانشان به میان می آید، تحصیلات عالی یا طبقه اجتماعی بالای افراد، الزماً به معنای رفتار صحیح آنها نیست و گاهی همین خانواده ها به دلیل مشغله های کاری زیاد، مسایل تحصیلی فرزندان را نادیده می گیرند و یا برعکس با حساسیت بیش از حد، فشار زیادی به آنها وارد کرده و موجبات افت تحصیلی آنها را فراهم کنند.

در مقابل خانواده هایی با سطح درآمد یا تحصیلات پایین نیز می توانند با تامین نیازهای اولیه فرزندانشان و رفتار مثبت و تشویق کننده از افت تحصیلی دانش آموزان جلوگیری کنند.

با این حال، با اتکا به آمار و ارقامی که از پژوهش های متعدد برآمده اند باید پذیرفت که سطح تحصیلات و درآمد خانواده در تعیین پیشرفت دانش آموزان مؤثر است.

علت افت تحصیلی در دوران بلوغ

برای فهم علت افت تحصیلی در دوران بلوغ باید دانست که بخش عمده ی بلوغ جسمی و جنسی به تغییرات و توسعه ساختار مغزی و سایر اعضای بدن مربوط می شود. دوران بلوغ نقش قابل توجهی در شکل گیری شخصیت و مسئولیت پذیر بار آمدن یک نوجوان دارد و احساس و رفتار او را در دوران جوانی رقم می زند؛ بنابراین بلوغ روی توانایی دانش آموزان برای حفظ خط فکری و قدرت تمرکز اثر مستقیم دارد.

والدین چنین دانش آموزانی باید بدانند که چگونه رفتار آنها می تواند بر ذهن نوجوانی که در آستانه ورود به بلوغ است، تاثیر بگذارد. رفتار غلط والدین ممکن است به درگیری ذهنی مداوم دانش آموز و در نهایت افت تحصیلی او منجر شود، اما والدین دلایل ضعف درسی فرزندشان را در جای دیگر جست و جو می کنند.

ندادن اطلاعات کافی، لازم و البته به اندازه به فرزندان می تواند در بروز مشکلات تحصیلی بیشتر مؤثر باشد. از سویی دیگر نداشتن حمایت پدر و مادر در این دوران می تواند منجر به بروز ضربه روانی در دانش آموز شود و او را از درس و مطالعه دور کند.

برخی والدین مشکلات و فشارهایی را که نوجوان در سن بلوغ با آنها دست و پنجه نرم می کند، انکار می کنند. برخی دیگر به نوجوان احساس گناه می دهند و فرزندانشان را به سمت مخفی کاری سوق می دهند. این دسته از دانش آموزان در مواقع نیاز به جای دریافت اطلاعات دقیق و علمی برای یافتن پاسخ سوال هایشان به دوستان هم سن و سال خود مراجعه می کنند.

در مقابل، برخی والدین نیز بدون در نظر گرفتن بحران سنی، نوجوان را در معرض اطلاعات و تصاویر غیرضروری قرار می دهند. بخش زیادی از مغز نوجوان پس از آن مشغول شاخ و برگ دادن به این اطلاعات می شود و تمرکز و توانایی ذهنی او برای مطالعه ی متمرکز دروس کاهش می یابد.

همگام با آغاز بلوغ در نوجوانان، آنها ارزش های خود را تغییر می دهند و می خواهند با قدرت بزرگسالان مخالفت کنند. درس خواندن را بی اهمیت فرض می کنند و توجه، تمرکز و انگیزه های خود را به موضوعات دیگری معطوف می کنند. آنها که هنوز به پختگی لازم نرسیده اند، از شکست های تحصیلی خود درس نمی گیرند و بنابراین به اهمال کاری ادامه می دهند و از اهداف تحصیلی دور می شوند.

نتیجه گیری

کسب نمرات خوب در دوران تحصیل و موفقیت های درسی نه تنها برای دستیابی به فرصت های شغلی بهتر مهم است، بلکه موجب افزایش دانش افراد نیز می شود. شکوفایی و توسعه ی استعدادهای بالقوه ی هر دانش آموز به او کمک می کند تا آینده ی بهتری برای خود بسازد.

باید بدانید که به همان میزان که هدفمند و فعال بودن، استقلال شخصیت و الگو پذیری در دانش آموزان به عنوان عوامل شخصی برای جلوگیری از افت تحصیلی مهم هستند، روش تدریس و شخصیت معلم، امکانات و منابع علمی موجود در مدارس نیز به عنوان عوامل درون سازمانی اهمیت دارند.

همچنین نباید از نقش عوامل بیرونی، از جمله سطح تحصیلات والدین، رفتار آنها و شرایط اجتماعی خانواده نیز در افت تحصیلی دانش آموزان غافل شد.

افت تحصیلی عوامل متعددی دارد که در مقاطع مختلف و در دنیای معاصر بر تنوع آنها افزوده شده است. گسترش استفاده از فضای مجازی و همه گیری بیماری کرونا، عوامل تازه ای هستند که موجب افت تحصیلی دانش آموزان شده اند.

در نهایت با در نظر گرفتن تمامی این عوامل، از جمله **عوامل داخلی افت تحصیلی**، باید به دلایل متعدد دیگری توجه کرد که گاهی بُعد روانی دارند. از جمله کمبود اعتماد به نفس، ترس از شکست، فقدان مهارت های مدیریت زمان، تفکر منفی و اهمال کاری.

اما با توجه بیشتر به برنامه درسی، ارتقای سطح علمی معلم ها و امکانات آموزشی مدارس، تمرکز بر افزایش اعتماد به نفس دانش آموزان و فراهم کردن فضای مناسب یادگیری چه در مدارس و چه در دنیای مجازی می توان علاوه بر جلوگیری از اتلاف منابع، از شکست تحصیلی دانش آموزان جلوگیری کرد.

آموزش دقیق درباره ی فضای مجازی و آموزش های برخط، به روز رسانی نظام آموزشی همراه با تحول در حوزه ی سلامت به ویژه در دوران کرونا و همه گیری های احتمالی بعدی، اشراف خانواده ها به این حوزه و نظارت بر عملکرد

دانش آموزان در آموزش مجازی، هدف گذاری برای پرتسه زنی در صفحات مجازی و تحمیل زمان بندی به آن، می تواند تا حدودی مانع از اافت تحصیلی دانش آموزان و به کارگیری ظرفیت های بالقوه ی آنها شود.

بهبود آموزش مجازی ابتدایی

آموزش موثر و هدفمند در فضای مجازی اهمیت بسیاری دارد چرا که در صورت ناکارا بودن تعلیمات برای دانش آموز و اولیای آنها، در فرایند آموزش و یادگیری اختلال به وجود می آید چه بسا زمینه را برای اافت و یا ترک تحصیلی آنها نیز به وجود می آورد. در مقطع دبستان نیازمند آموزش صحیح و اصولی می باشیم تا دانش آموزان مفاهیم پایه را به نحو بهتری فرا گیرند تا توان و فرصت ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر را داشته باشند درغیراینصورت دانش آموزان خسارت های جبران ناپذیری را متحمل می شوند.

با به کارگیری خلاقیت در تدریس مجازی میتوان میزان بازدهی کلاس را افزایش داد و در پایان هر ترم نتایج فوق العاده ای را کسب کرد.

از جمله راهکارهای بهبود آموزش مجازی در مدارس می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تهیه تقویم و برنامه آموزشی
- تولید محتوای آموزشی جذاب و خلاقانه
- استفاده از نرم افزارهای آموزشی دوره ابتدایی
- تعامل با دانش آموزان
- ارزیابی دانش آموزان و دریافت مداوم بازخور از آنها
- ایجاد فضای آموزشی پویا و شاد
- استفاده از فیلم های کمک آموزشی دبستان

منابع و مراجع

منابع فارسی

۱- جعفری، انوشه (۱۳۹۳). عوامل موثر بر یادگیری در روش آموزش الکترونیکی. مجله فناوری در آموزش و فناوری آموزشی ۳۰(۱)، ص ۳۴-۳۰.

۲- حسینی، افضل السادات (۱۳۸۶). بررسی تاثیر برنامه آموزش خلاقیت معلمان بر خلاقیت پیشرفت

تحصیلی و

خودپنداره دانش آموزان. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۶(۲۳)، ص ۱۶۸-۱۴۷.

۳- دبنو، ادوارد (۱۳۹۰). تمرین خلاقیت، (۲۱ تمرین برای کشف خلاق ترین ایده هایتان)، (ترجمه امیرحسام صمدآقای). چاپ دوم. تهران: دانش پژوهان جوان.

- ۴- رنجدوست، شهرام و عیوضی، پروانه (۱۳۹۲). بررسی رابطه هوش هیجانی دبیران با تفکر خلاق دانش آموزان متوسطه. پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۱۰(۹)، ص ۱۱۳-۱۲۵.
- ۵- زارعی زوارکی، اسماعیل و رضایی، عیسی (۱۳۹۰). تاثیر استفاده از نگرش انگیزه پیشرفت دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی. مجله ارزیابی آموزشی، ۵(۲)، ص ۶۷-۹۷.
- ۶- غلامحسینی، لیلا (۱۳۸۷). یادگیری الکترونیک و جایگاه آن در نظام آموزش دانشگاهی. مجله دانشکده پیراپزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۳(۲)، ص ۲۸-۳۵.
- ۷- افروز، غلامعلی. (۱۳۷۳). مقدمه ای بر روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنائی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- استرایکر، سوزان (۱۳۸۵). کلیدهای پرورش خلاقیت هنری در کودکان ونوجوانان، مترجم اکرم قیطاسی، موسسه انتشاراتی صابرین.
- ۹- بنی جمالی، شکوه السادات و احدی، حسن. (۱۳۷۰). بهداشت روانی و عقب ماندگی ذهنی، انتشارات نشرنی.
- ۱۰- روزنامه همشهری (۱۳۸۸). تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۸۸.
- ۱۱- سیدعباس زاده، میرمحمد. (۱۳۸۰). روشهای عملی تحقیق درعلوم انسانی، انتشارات دانشگاه ارومیه.
- ۱۲- سرمد، زهره و بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۸۵). روشهای تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگه
- ۱۳- سیف هاشمی، فخرالسادات. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت مدیران مدارس متوسطه شهر اصفهان.
- ۱۴- سیف، علی اکبر. (۱۳۷۲). روانشناسی پرورشی، انتشارات آگاه تهران.
- ۱۵- شهبازی، صادق و شهریاری، بهروز. (۱۳۸۶)، روش استفاده از دانش خلاقیت شناسی (<http://www.Knowclub.com>).
- ۱۶- آزاد، فائزه (۱۳۹۸). بررسی علل افت تحصیلی در دانش آموزان ابتدایی، کنفرانس ملی پژوهش های حرفه ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد دستاورهای نوین در علوم تربیتی و رفتاری «از نگاه معلم»، میناب، <https://civilica.com/doc/1020228>
- ۱۷- صافی، احمد. (۱۳۷۹). مدیریت و نوآوری در مدارس، انتشارات سازمان انجمن اولیاء و مربیان.
- ۱۸- طالب زاده، عباس. (۱۳۸۵). خلاقیت و نوآوری در افراد و سازمان ها، ماهنامه علمی - آموزشی تدبیر، سال پانزدهم، شماره ۱۵۲.
- ۱۹- قاسم زاده، علی. (۱۳۸۱). نگاهی به تاثیر روشهای تدریس سنتی و پیشرفته در خلاقیت دانش آموزان.

- ۲۰- مکوندی، کبری و هادی زاده، میلاد (۱۴۰۱). **بررسی عوامل افت تحصیلی دانش آموزان**، دومین کنفرانس علوم اجتماعی، روانشناسی، علوم تربیتی و علوم انسانی، <https://civilica.com/doc/1448582>
- ۲۱- صادقیان، پروانه، ۱۴۰۱، **بررسی عوامل موثر بر افت تحصیلی دانش آموزان**، دهمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، <https://civilica.com/doc/1558739>
- ۲۲- اطهری، زینب السادات و امینی، محمد و طسوجیان، ایمان (۱۳۹۵). **شناسایی علل افت تحصیلی در مقطع ابتدایی**، کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، شیراز، <https://civilica.com/doc/592043>
- ۲۳- شمسی گوشکی، محسن و فرزانه، فائقه و کیخایی، راضیه و اردونی، طیه و مودی، المیرا (۱۴۰۰). **تحلیل اثر فضای مجازی بر افت تحصیلی دانش آموزان (مورد مطالعه: دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهرستان زاهدان)**، سومین کنفرانس بین المللی علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره، آموزش و پژوهش، تهران، <https://civilica.com/doc/1258939>
- ۲۴- عباسی، مصطفی و افشارنیا، معصومه و چشمگان زاده، سعیده (۱۳۹۷). **بررسی فرایند و رویکردهای مدیریت دانش و تاثیر آن بر سازمانها و مراکز آموزشی**، فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه « تیر ۱۳۹۷ - شماره ۱۰ . ص ۲۵-۴۵.
- ۲۵- علی نژاد، سهراب و عباسی، رضا و عباسی، مصطفی (۱۴۰۱). **بررسی تکنیک های مدیریت کلاس درس و روش کلاسداری معلمان**، فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۳۴، ص ۱۵۲-۱۲۳.
- ۲۶- فروزنده، الهام؛ حسن خوش اخلاق و مهری سادات نکویی، (۱۳۹۶). **بررسی نقش علل و عوامل اجتماعی در افت تحصیلی دانش آموزان**، همایش ملی علوم انسانی، تهران، شرکت توسعه دانش فرزندگان.
- ۲۷- مقتدری، اسماعیل، (۱۳۹۶). **شناسایی عوامل اجتماعی موثر بر افت تحصیلی در بین دانش آموزان دوره اول دبیرستان مدارس خاص شهر مراغه**، سومین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی،
- ۲۸- حسینی، سیدغلامرضا، (۱۳۹۶). **بررسی علل افت تحصیلی ریاضی و عدم رغبت دانش آموزان به انتخاب این رشته در استان ایلام**، اولین کنفرانس آموزش و کاربرد ریاضی، کرمانشاه، انجمن علمی آموزشی معلمان ریاضی کرمانشاه
- ۲۹- یوسفی، باقر. (۱۳۷۵). **تغییر و نوآوری در آموزش و پرورش**، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش. شماره ۱۴.

منابع لاتین

1. Abedi, J. (2002). *A latent-Variable modeling approach to assessing reliability and validity of a creativity instrument*. Creativity Research Journal, 14 (2), 267-276.
2. Anastasi, A. (1988). *Psychological testing*. (6 ed.). New York: MacMillan.
3. Auzmendi, E. Villa, A. & Abedi, J. (1996). *Reliability and validity of a newly-constructed multiple-choice creativity instrument*. Creativity Research Journal, 9 (1), 89-95.
4. Battista, M. T. et al. (1998). *Students' spatial structuring of 2D arrays of squares*. Journal for Research in Mathematics Education, 532-503, 5(29).
5. Chiu, M. M. (1996). *Exploring the origins, uses, and interactions of student intuitions: Comparing the lengths of paths*. Journal for Research in Mathematics Education, 504-478, 4(27).
6. Diane Peters (2008). *Creative Kids: 4 Ways To Spark Their Imaginations*. instructional materials: A review of research. Journal of creative behavior, 20, 153-182.
7. Graeber, Anna, O and Campbell, Patricia F(1993). *Misconceptions about Multiplication and Division*, Arithmetic Teacher March 1993, 408-411.
8. Hiebert, J. (1981). *Units of measure: Results and implications from national assessment*. Arithmetic Teacher, 43-38, 6(28).
9. Kaufmann, G. (2003). *What to Archiv measure? A new look at the concept of creativity*. Journal of educational research, 47 (3), 235-251.
10. Kordaki, M. & Potari, D. (1998). *Children's approaches to area measurement through different contexts*. Journal of Mathematical Behavior, 316-303, 3(17).
11. Kouba, V. L. et al. (1988). *Results of the fourth NAEP assessment of mathematics: Measurement, geometry, data interpretation, attitudes, and other topics*. Arithmetic Teacher, 16-10, 9(35).
12. McAdam, R, Keogh, W. (2004). *Transitioning towards creativity and innovation measurement in SMEs*. Creativity and Innovation Management, 13 (2), 126-139.
13. Mogasale, V. V. Patil, V. D. Patil, N. M. & Mogasale, v. (2011). *Prevalence of specific learning disabilities among primary school children in a south Indian city*. Indian journal of pediatrics, 79(3), 1-6.